

بِسْمِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ







سازمان اوقاف و امور خیریه  
معاونت فرهنگی و اجتماعی

ناشر، تهیه و تنظیم:

مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف  
گردآورنده: محسن سلیمانی | ویراستار: ابوالفضل نبی فرکی  
مدیر هنری و طراح: حسین ونکی فراهانی  
نوبت چاپ: اول / دی ماه ۱۳۹۷

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه | قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

غیرقابل فروش / اهدایی

نشانی:

● قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده سیدعلی (ع) مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه ● تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی  
تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۵۷

سایت مجتمع: [www.mfpo.ir](http://www.mfpo.ir)

سایت معاونت: [www.mfso.ir](http://www.mfso.ir)

سایت سازمان: [www.oghaf.ir](http://www.oghaf.ir)



## فهرست مطالب

### مقدمه

### فساد مالی

- ۷ - رقم نجومی ثروت محمدرضا پهلوی چقدر بوده است؟
- ۹ - هواپیمای شاه؛ گنج سیار نامشروع!
- ۱۰ - جشن ۸۰۰ میلیون دلاری تخت جمشید
- ۱۲ - ۲۵۰ هزار پوند هزینه خرید پارچه‌های مخملی صندلی‌های کازینوی سلطنتی کیش
- ۱۴ - دستور اشرف پهلوی برای خرید سگ دارای موی مجعد از فرانسه
- ۱۶ - ارسال هواپیما به سوییس برای آوردن پمادی که باید خارش دست شاه را درمان می‌کرد!
- ۱۷ - استراحتگاه زمستانی کیش
- ۱۸ - غصب جنگل‌های ملی توسط برادر شاه
- ۱۹ - خاندان قمارباز پهلوی
- ۱۹ - رژیم رشوه‌باز
- ۲۱ - لیستی از مهم‌ترین دارایی‌ها و اموال خاندان پهلوی
- ۲۲ -
- ۲۲ -

### فساد اخلاقی

- ۳۶ - هوس‌بازی‌های محمدرضا متأثر از توصیه مادر به فرزند!
- ۳۶ - محمدرضا پهلوی و مادرش
- ۳۶ - علل گرایش محمدرضا به زنان از نگاه یک روان‌شناس
- ۳۷ - تاسیس تشکیلاتی برای هوسرانی‌های شاه
- ۳۷ - نخستین گام‌های محمدرضا در مسیر فساد اخلاقی
- ۳۸ - ازدواج هم مانع مفاسد اخلاقی محمدرضا نشد
- ۳۸ - معشوقه‌ای به نام پروین غفاری
- ۳۹ - ازدواج ناکام شاه با ثریا در سال ۱۳۲۹



- ۴۱ - گزارش سیا درباره مفاسد اخلاقی شاه  
 ۴۲ - شاه و هوس ستاره‌های سینمای آمریکا  
 ۴۲ - محمدرضا شاه و ازدواج با فرح پهلوی  
 ۴۴ - ماجرای عشقی گیلدا و عصبانیت فرح  
 ۴۷ - انصراف شاه از طلاق دادن فرح  
 ۴۸ - شاه تا آخرین لحظات عمرش دست از هوسرانی برنداشت  
 ۵۰ - مفاسد اخلاقی و خانواده محمدرضا  
 ۵۰ - اعترافات تکان دهنده خواهر شاه  
 ۵۵ **دیکتاتوری و خوددیرینی**  
 ۶۱ **خوی اشراف‌زادگی**  
 ۶۴ **تحقیر مردم**  
 ۶۸ **چاپلوسی و تملق**  
 ۷۰ **قاچاق سازمان‌یافته مواد مخدر**  
 ۷۰ - ساواک: فرانسه والاحضرت اشرف را به خاطر قاچاق مواد مخدر ممنوع‌الورود کرده است!  
 ۷۱ - وقتی بختیار مواد را بین دربار تقسیم می‌کند  
 ۷۲ - واکنش قاطع! محمدرضا پهلوی درباره قاچاق مواد توسط اشرف: بگوئید قاچاق نکند!  
 ۷۳ - وقتی کوچکترین برادر شاه نیز از قافله قاچاق مواد عقب نمی‌ماند  
 ۷۵ - معروف‌ترین هروین در تهران «هروین حمیدرضا» است!  
 ۷۶ - ماجرای سفر خواهر شاه به خارج برای ترک مواد  
 ۷۶ - درباریان قاچاقچی  
 ۷۹ **برادرخواندگی رژیم صهیونیستی**  
 ۸۰ - وقتی اعراب اسرائیل را تحریم کردند و پهلوی نفت صهیونیست‌ها را تأمین کرد  
 ۸۲ - قابله اسرائیلی فرح!  
 ۸۳ - وقتی شاه میوه‌ی دربار را هم از اسرائیل وارد می‌کرد!  
 ۸۶ - کماندوهای صهیونیست در خدمت شاه برای سرکوب مردم  
 ۹۰ **فساد سیاسی**  
 ۹۳ **برخی خدمات محمدرضا شاه در ایران**



## مقدمه

رویدادها و حوادثی که در گذر زمان رخ می‌دهد و پس از چندی به مسئله‌ای به نام «تاریخ» تبدیل می‌شود، اگر همراه با روشنگری و بازکاوی هوشمندانه نباشد، گردی به نام «تحریف» بر تارک تاریخ می‌نشانند که نه تاریخ که «شیخ تاریخ» نام دارد و در واقع «دستکاری در تاریخ» و «قلب حقیقت» خواهد بود.

اگر چه فساد و تباهی رژیم پهلوی بر کسی پوشیده نیست؛ اما سال‌هاست مخالفین مردم و نظام سعی در تحریف تاریخ و فراموشی حافظه تاریخی ملت به نفع خود را دارند. در همین راستا مقام معظم رهبری علیه السلام در ۱۷ دی ۱۳۹۳ فرمودند:

«آنها می‌خواهند حقایق انقلاب تحریف بشود، به دست فراموشی سپرده بشود؛ پول خرج می‌کنند، کار دارند می‌کنند. کسی که آشنا باشد، آگاه باشد با دنیای کتاب و مطبوعات و مقاله می‌بیند که دشمنان چه کار دارند می‌کنند؛ امروز اینها سعی می‌کنند چهره‌ی خاندان خبیث و منحوس پهلوی را - رژیم فاسد و وابسته و خبیث و ظالم که کشور ما را سال‌های متمادی به عقب انداختند و ملت ایران را آن‌جور دچار مشکلات عظیم کردند - بَزک کنند، آرایش کنند امروز سعی می‌شود [توسط] همان جبهه‌ی مقابل نظام اسلامی. پشتیبان‌ها همان کسانی هستند که با اصل انقلاب مخالف بودند، با مردمی



که انقلاب کردند مخالف بودند، با وفاداری این مردم به انقلاب بشدت مخالفند. تاکنون موفق نشدند؛ امید بسته بودند بلکه بتوانند نسل دوم و سوم انقلاب را روی گردان کنند، نتوانستند. نسل سوم انقلاب را نتوانستند از انقلاب روی گردان کنند.»

معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با انتشار کتاب «بزرگ» ضمن بازخوانی فساد گسترده خاندان پهلوی و دربار شاهنشاهی در عرصه‌های مختلف، تنها و تنها بخشی کوچک از جنایات و مفاسد این رژیم در موضوعات مختلف از جمله فساد مالی، فساد اخلاقی، طبع دیکتاتوری و خودبرتربینی، اشرافیت، تفرعن، ترویج چاپلوسی، بی‌اعتنایی و تحقیر مردم، فسادهای سیاسی درون حاکمیت، شرط‌بندی و قمار، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر و نقش پررنگ رژیم صهیونیستی بر پهلوی‌ها را بازخوانی می‌کند.

سازمان اوقاف و امور خیریه  
معاونت فرهنگی اجتماعی



## فاد مالی



۹



پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ عوامل و دلایل گوناگونی داشت و کارشناسان بسیاری در داخل و خارج کشور در این زمینه قلم‌فرسایی کرده‌اند. برخی از این کارشناسان معتقدند فساد مالی خاندان پهلوی یکی از دلایل انقلاب ایران می‌باشد. با توجه به اسناد موجود نگاهی کوتاه و مجمل به پرونده مفاسد و دارایی‌های رژیم پهلوی که در سرنگونی آن بی‌تأثیر نبوده است می‌اندازیم. اشرف پهلوی که در فرانسه لقب پلنگ سیاه به او داده‌اند، یکی از فاسدترین اشخاص این خاندان بود که حتی در دوران حکومت ملی مصدق نیز به خاطر همین مفاسد به خارج از کشور تبعید شد و پس از کودتای ۲۸ مرداد به ایران بازگشت و تا پیروزی انقلاب اسلامی به غارت و چپاول ثروت‌های این کشور ادامه داد. در بسیاری از معاملات و پروژه‌های بزرگ اقتصادی رد پای یکی از درباریان پیدااست. در رأس آنان برادران و خواهران محمدرضا، برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌های او حضور داشتند که این مفاسد از چشم تیزبین مردم ایران دور نمی‌ماند و با افشاگری روحانیون و به‌ویژه حضرت امام خمینی (ره) که رهبری انقلاب را بر عهده داشتند و دیگر گروه‌های مبارز و انقلابی توانستند سرانجام سرچشمه و منشأ فساد را از این کشور بیرون برانند و نظام جمهوری اسلامی را جایگزین نظام شاهنشاهی کنند. [۱]

## رقم نجومی ثروت محمدرضا پهلوی چقدر بوده است؟

در رابطه با ثروت محمدرضاشاه پهلوی، ارقام و اعداد نجومی بسیاری روایت شده است. در یک مورد، روزنامه «نیویورک تایمز» در تاریخ دهم ژانویه ۱۹۷۹، با استناد به گفته منابع بانکی جهانی نوشت که فقط اوراق بهادار متعلق به شاه، بیش از یک میلیارد دلار قیمت دارد و نیز مبلغی بین دو تا چهار میلیارد دلار تنها در طول این دو سال آخر (۱۳۵۶ و ۱۳۵۷) از سوی خانواده سلطنتی ایران به آمریکا منتقل شده است. [۲]

حسین فردوست، دوست و همراه همیشگی شاه نیز در خاطرات خود اشاره کرده است که پس از رفتن رضاشاه، املاک زیادی به محمدرضا رسید. درآمد وی تنها از مستغلات شمال، سالی ۶۲ میلیون تومان بود؛ املاکی که شاه و پدرش به تدریج از مردم گرفته و یا با بهای ناچیزی خریده بودند. بنا به گفته مزین، رئیس املاک بنیاد پهلوی گران، املاک شاه از گران تا مرز شوروی ادامه داشت. مزین در مدت ده سال به فروش زمین‌های گران پرداخت و آن‌گاه به سراغ زمین‌های بجنورد و گنبد رفت.

اردشیر زاهدی نیز درباره میزان ثروتی که شاه موفق به انتقال آن‌ها به خارج از کشور شد، چنین نوشته است: «دادستان تهران در زمان شریف امامی، فهرست دقیقی از افرادی که پول‌هایی را به شکل ارز خارج کرده بودند، استخراج کرد. در میان این فهرست، شخص اعلی حضرت تا آن زمان ۳۱ میلیارد دلار از کشور خارج کرده بود.» [۳]

در آن زمان، بنا به نوشته هفته‌نامه آلمانی «فوکوس»، شاه برای خرید ۶ فروند زیردریایی از یک شرکت آلمانی، ۱۰۹ میلیون مارک رشوه دریافت می‌کند. همچنین با گزارش روزنامه اتریشی «کوریر» در نتیجه سودجویی و چپاول‌گری سرمایه مردمی، برای خانواده‌اش بیش از ۴۴ میلیارد دلار ارث به جای می‌گذارد. [۴]



۱۰



موثق‌ترین آمار ارائه شده در ۱۳۹۱ توسط روزنامه «فایننشال‌تایمز» به مناسبت بیداری اسلامی در کشورهای عربی علیه دیکتاتورهای منتشر شده بود و میزان دارایی‌های خارج شده از سوی دیکتاتورهای فراری از کشورهای مختلف را مورد بررسی قرار داده و اعلام شده به این شرح است:

«محمدرضا پهلوی، شاه مخلوع ایران ۳۵ میلیارد دلار دارایی از ایران خارج کرده است. نگاهی به برخی فعالیت‌های افراد نزدیک به شاه مخلوع بعد از سرنگونی رژیم طاغوت نشان می‌دهد رقم‌ها بیش از این است. به نظر می‌رسد این رقم متعلق به خروج مستقیم دارایی به شکل ارز از کشور باشد و املاک و سهام خاندان پهلوی در خارج از کشور در آن محاسبه نشده است.»

با احتساب نرخ تورم آمریکا (بخاطر دلاری بودن مبلغ اعلام شده) در ۴۰ سال اخیر، ۳۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۷ معادل حدوداً ۳۵۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ خواهد بود.

اسناد و مدارک موجود در ایران نشان می‌دهد بخشی از املاک محمدرضا پهلوی در ایران، شامل ۲۲۰ هکتار زمین، قبل از خروج او از کشور، در سال ۵۷ به فروش رفته و به صورت ارز از کشور خارج شده است. با این حال، براساس آمارهایی که روزنامه‌ها و نشریات آمریکایی منتشر کرده‌اند، ثروت شاه شبکه پیچیده‌ای از شرکت‌ها، بنیادها، حساب‌های بانکی، زمینی در کوستادل اسپانیا، ویلای گران‌قیمت در سنت‌موریس سوئیس که بعدها سیلیویو برلوسکونی آن را خرید و املاکی در نقاط مختلف دنیا بود.

ارزش ثروت تقسیم‌شده شاه از ۱۲۰ میلیون دلار برطبق گفته بعضی وابستگان به خانواده پهلوی، تا رقم رؤیایی ۱۰۰ میلیارد دلار، طبق برآوردهای برخی نویسندگان و روزنامه‌نگاران، متغیر است. عباس میلانی نیز رقمی نزدیک به یک میلیارد دلار را نزدیک‌تر به واقعیت می‌داند و هنوز هم مشخص نیست چه میزان از ثروت ایران توسط او و خاندانش به یغما رفته است. [۵]



۱۱



فرح پهلوی و فرزندان او در حالی اعلام می کنند اموال شاه تنها ۶۰ میلیون دلار بوده که آماری که بانک مرکزی و دادستان تهران در زمان شریف امامی منتشر کرد، نشان می دهد که در سال ۱۳۵۷، تنها مقامات دولتی ۱۳ میلیارد دلار ارزشی ۲ ماه خارج کردند و شاه و اطرافیانش مسلماً مبلغی بیش از این به تاراج برده اند. مقامات وابسته به حکومت، چون وضعیت انقلاب و امکان سقوط نظام شاهنشاهی را دیدند، اقدام به خارج کردن اموال خود از کشور کردند. براساس جمع بندی برخی گزارش ها درباره همه دزدی ها و اموال به سرقت رفته توسط این خاندان، می توان این رقم را تا ۱۰۰ میلیارد دلار هم برآورد کرد. [۶]

### هواپیمای شاه؛ گنج یار نامشروع!

خروج شاه از ایران در ۲۶ دی ماه سال ۱۳۵۷، بزنگاهی مهم در فرآیند انتقال ثروت ملی به خارج از کشور بود. عباس میلانی این وضعیت را این گونه روایت می کند:

«از صبح ۱۶ ژانویه (۲۶ دی) ضرب زندگی در دربار تندتر شده بود. همه چیز انگار در حال تعلیق بود. مبل ها را پوشانده و بسیاری از نقاشی ها را از دیوار پایین آورده بودند. اینجا و آنجا جعبه هایی دیده می شد. سفر شاه و ملکه قریب الوقوع به نظر می رسید. دو روز قبل از سفر، در ۱۴ ژانویه (۲۴ دی) چهارده بسته بزرگ، پر از متعلقات شاه و خاندان سلطنتی، به فرودگاه برده شده بود. اندازه این ۱۴ بسته در حدی بود که عملاً یکی از دو هواپیمای را که قرار بود شاه و همراهانش را به خارج ببرد، پر می کرد. چند روز قبل، هواپیمای اختصاصی کوچکی، الیاسی، یکی از خدمتکاران معتمد شاه را به ژنو برده بود. الیاسی اوراق بهادار و دیگر اسناد ارزشمند شاه را به همراه خود به سوئیس برد. چند و چون این پرواز یک سره محرمانه نگه داشته شد. محتویات آنچه الیاسی به سوئیس



۱۲





برد نیز روشن نیست.» [۷]

رئیس کل تشریفات دربار، آغاز عملیات خروج شاه و همراهان را در ۲۴ دی ماه ۵۷ اعلام کرد. او دستور داد برچسب‌های شناسایی چمدان‌ها، بسته‌ها و صندوق‌های شاه، که منقش به آرم دربار و سلطنتی بود، به درون کاخ نیاوران آورده شود تا تشریفات لازم و آخرین شناسایی دربارۀ آن‌ها صورت بگیرد. برچسب‌های اختصاصی دربار اینک آماده شده بود تا به چمدان‌ها و صندوق‌ها الصاق گردد. یک تیم از افراد مورد تأیید فرح در دربار، جمع‌آوری و بسته‌بندی همه‌گونه عتیقه، جواهرات و الماس‌های گران‌بها، ساعت‌های تمام‌طلا، تاج و نیم‌تاج‌های تمام‌زمرد را برعهده داشتند و این کالاهای ارزشمند نیز در ۳۸۴ بسته و چمدان کوچک جای گرفت.

این گنجینه از جواهرات و عتیقه‌جات در مکان‌های امن کاخ نیاوران نگهداری می‌شد. فرح بر همه بسته‌بندی‌ها نظارت کامل داشت. بسته‌بندی و جمع‌آوری دلارهای آمریکایی که از ماه‌ها قبل نقداً جمع شده بودند توسط بخش مالی دربار انجام گردید. تاج شاهنشاهی با ۳۳۸۰ قطعه الماس و ۵۰ قطعه زمرد، ۳۶۸ حبه مروارید و با وزن ۲ کیلو و ۸۰ گرم و از نظر قیمت غیرقابل تخمین و تاج ملکه با ۱۶۴۶ قطعه الماس و تعداد معتناهی از جواهرات دیگر و طلا به ارزش ده‌ها میلیون دلار به عنوان بخش اندکی از جواهرات ربوده شده سلطنتی هستند.

سعید قانعی در این باره می‌نویسد:

«البته این جواهرات مختص خود شاه و فرح بود، والاحضرت‌ها جواهرات خود را به‌طور جداگانه‌ای آورده بودند. به‌ویژه اشرف که پیش از اوج‌گیری انقلاب از ایران خارج شده بود و به همین سبب هم سر فرصت عمده جواهرات خود را از ایران خارج کرده بود. همچنین ملکه مادر (مادر شاه) هم که حدود یک سالی قبل از انقلاب به لندن آمده بود، بیشتر جواهرات خود را در همان زمان همراه آورده بود.» [۸]



۱۳





۱۴



با توجه به شرایط بحرانی، هیجان‌زده و آشفته ماه‌های منجر به انقلاب و روزهای پس از آن، یافتن آماری دقیق و قابل اطمینان از میزان سرمایه‌های خارج‌شده توسط خاندان پهلوی و کارگزاران رژیم، دور از ذهن به نظر می‌رسد. لذا باید تنها به تواتر روایات نویسندگان و مطلعین تکیه کرد و از خلال آن، به برآوردی تقریبی و البته منطقی دست یافت. آنچه مسلم است، رویکرد منفعت‌طلبانه و طلبکارانه شخص شاه و خانواده او در قبال اموال و سرمایه‌های ملی است. رویکردی مذموم، غیرقانونی و غیرشرعی که به آنان اجازه داد تا در تداوم چپاول‌گری‌های مالی خود، هرآنچه در توان دارند از کشور خارج کنند. سرمایه‌ای که با صرف خوش‌گذرانی‌های ناتمام و خلق کاریکاتوری از زندگی اشرافی آن‌ها در داخل ایران شد و یا تأمین‌کننده مخارج گروه‌های اپوزیسیون معارض با نظام بوده و هست.

بخش عمده و نامعلومی از این سرمایه‌ها نیز همچنان در چنبره بانک‌های آمریکایی است که به بهانه‌های واهی، بلوکه و از تحویل به صاحبان اصلی آن جلوگیری شده است. ثروت ملی هدررفته توسط خاندان پهلوی در کنار سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و فکری که توسط این رژیم نابود شد، واقعیتی تلخ است که هیچ‌گاه از حافظه تاریخی ملت ایران پاک نخواهد شد.

## جشن ۸۵۰ میلیون دلاری تخت جمشید

جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران به مناسبت دوهزار و پانصد سال تاریخ مدون شاهنشاهی ایران و در زمان سلطنت محمدرضا پهلوی از تاریخ ۱۲ تا ۱۶ اکتبر ۱۹۷۱ (برابر با ۲۰ تا ۲۴ مهر ۱۳۵۰) در تخت جمشید برگزار شد. در این جشن‌ها که سران حکومتی و پادشاهان ۶۹ کشور جهان شرکت کردند، ولخرجی‌ها و فساد مالی افسانه‌ای رخ داده که موجب اعتراض گسترده مردم به آن گردیده بود.



۱۵

ش



منصور رفیع زاده آخرین رئیس شعبه ساواک در آمریکا در صفحه ۲۳۷ کتاب خاطرات خود پیرامون جشن هنر افسانه‌ای شاه در تخت جمشید شیراز که به مناسبت نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در ایران برگزار گردید، می‌نویسد:

«در یکی از سفرهایم به تهران، تیمسار مقدم رئیس ساواک به من گفت: اگر از ارقام نجومی خرج‌ها و دزدی‌هایی که برای تدارک این جشن‌ها در جریان است مطلع شوی مغزت داغ می‌شود. مجموع این جشن ۳۰۰ میلیون دلار برآورد شد، اما مسلماً هزینه‌های واقعی به مراتب بیش از مبلغ فوق بود، زیرا عمده مخارج به گردن وزارتخانه‌های مختلف بود و هیچ یک از وزرا جرأت مطرح نمودن آن را نزد شاه نداشتند. همچنین تمامی سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی موظف بودند مبالغی را به برگزاری این جشن اختصاص دهند. طبق یک برآورد تقریبی، توسط شاه ۸۰۰ میلیون دلار در این جشن هزینه شد.»



۱۶



## **۲۵۰ هزار پوند هزینه خرید پارچه‌های مخملی صندلی‌های کازینوی سلطنتی کیش**

هر چند ارائه تمامی اسناد فساد مالی و ولخرجی‌های رژیم پهلوی در این نوشتار نمی‌گنجد ولیکن در ادامه به بخشی دیگر از این فسادهای مالی اشاره می‌گردد. در گزارشی که نشریه «در پی ایونینگ تلگراف» انگلیس منتشر کرده بود خبر از قرارداد ۲۵۰ هزار دلاری برای تأمین پارچه مخملی صندلی‌های کازینوی سلطنتی در کیش داده است. کازینویی که فقط ۲۵۰ هزار دلار هزینه تأمین پارچه صندلی آن شده است. در این گزارش آمده بود:

«در پی ایونینگ تلگراف» در شماره امروز خود تحت عنوان «سفارش شاه به شرکت در پی» می‌نویسد:

«کازینوی عظیمی که برای شاه ایران ساخته می‌شود موجب عقد قرارداد ۱۱۰۰۰ پوندی برای تهیه‌کنندگان سه‌گانه مبلمان و روکش‌های صندلی خیابان باث و خیابان کرسون شده است... این سه شرکت قرار است طی ماه مه ۳۰۰ فوت مخمل برای روکش صندلی‌های کازینویی که در جزیره کیش واقع در خلیج فارس ساخته می‌شود تهیه نمایند. هاردکوود صندلی‌هایی طرح کرده است که در ده نوع ساخته شده و به شکل چادرهای مغربی می‌باشد. روی کاناپه‌ها روکش‌های ابریشمی کشیده می‌شود که میله‌های برنجی آن را نگهداری می‌کند.

در مجموع برای پارچه‌های لازمه در این کازینوی تشریفاتی ۲۵۰ هزار پوند خرج می‌شود. شرکت‌های سه‌گانه کار بر روی مبلمان این کازینو را آغاز نکرده‌اند ولی در نظر دارند که این کار را طی سه هفته به پایان رسانند.»



۱۷



### **دستور اشرف پهلوی برای خرید سگ دارای موی مجعد از فرانسه**

در سندی به جامانده از دفتر اشرف پهلوی، نامه‌ای به سفارت ایران در پاریس و دستور خرید سگ برای اشرف پهلوی آمده است:

«سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در پاریس، آقای دکتر فروهر؛ بر حسب فرموده والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ابلاغ می‌نماید دستور بفرمایید يك سگ کانیش canis از نوع قصیر Nain از مغازه سگ‌فروشی واقع در خیابان شانزلیزه یا هر نقطه دیگری که سراغ داشته باشند اکتیاع نموده و با بهترین و اولین وسیله به تهران ارسال دارند چون این سگ‌ها سه قسم Royal, Moyen, Nain هستند مخصوصاً این سگ باید از نوع Nain رنگ آن حتی الامکان خاکستری و الا سیاه باشد سن آن بیش از دو ماه نباشد

دقت نمایند که کوچک‌ترین و قشنگ‌ترین آن انتخاب شود موهای آن مجعد و پیچیده باشد در صورتی که از این نوع یعنی Nain وجود نداشته باشد نوع دیگری مثلاً کانیش متوسط Moyen مورد احتیاج نمی‌باشد. ضمناً اگر آقای دکتر صفوی که عازم تهران خواهند شد زودتر از وسیله مطمئن دیگری حرکت نمایند به وسیله ایشان ارسال دارند. بدیهی‌است کوشش خواهند نمود که از هر محل که ممکن باشد سگ مورد احتیاج را با مشخصات بالا خریداری نمایند. بهاء آن را نیز معلوم و مرقوم دارند که تأذیه گردد.»

## ارسال هواپیمای به سوییس برای آوردن پمادی که باید خارش دست شاه را در همان می‌کرد!

مینو صمیمی در کتاب پشت پرده تخت طاووس می‌نویسد:

«سفیر وقت ایران در سوئیس یک‌بار برای تهیه پمادی جهت مداوای خارش دست شاه، هواپیمایی را دریست به لندن فرستاد تا ده حلقه از پماد مورد نظر را برای شاه بیاورد، زیرا پمادی با نام مورد دستور شاه در سوئیس وجود نداشت. بلکه مشابه آن با نامی دیگر موجود بود؛ اما سفیر معتقد بود امر شاه باید همان‌طور که هست اجرا شود. ولخرجی‌های شاه و اطرافیان در سوئیس تا بدان حد بود که بارها مورد اعتراض مطبوعات سوئیسی و اروپایی قرار گرفته بود؛ اما سفیر می‌کوشید با اهدای هدایای گران‌قیمت به روزنامه‌نگاران صدای آن‌ها را خاموش کند؛ برخی پول می‌گرفتند و درعین حال به انتقادات خود شدت می‌دادند. این اعتراضات منجر به تظاهرات دانشجویی علیه حضور شاه در سوئیس می‌شد.»



## استراحتگاه زمستانی کیش

ویلیام شوکراس در کتاب آخرین سفر شاه خود در صفحات ۲۴۶ تا ۲۴۸ کیش را مظهر رسوایی زیاده‌روی رژیم پهلوی می‌داند که در آن میلیون‌ها دلار صرف ولخرجی‌ها و عیاشی‌های خاندان پهلوی شده است و این در حالی بوده که غالب مردم ایران در تنگدستی به سر می‌بردند.

«هیچ چیز مثل کیش مظهر رسواکننده زیاده‌روی‌های دربار پهلوی نبود... در اوائل دهه ۷۰ (۱۹۷۰ میلادی) شاه تصمیم گرفت کیش را به یک استراحتگاه زمستانی تبدیل کند. او کاخ کوچکی برای خودش در ساحل دریا بنا کرد... اما کیش فقط شامل کاخ شاه نبود... میلیون‌ها دلار برای ویلاهای خصوصی و هتل‌های لوکس و کازینو و زمین‌های گلف و مغازه‌هایی که اجناس بخشوده از حقوق گمرکی می‌فروختند (کیش بند آزاد بود) خرج شد... قرار بود کیش از نظر شبکی و تجملی نظیر باشد. مونت کارلوی خاورمیانه شود، بهشتی در خلیج فارس باشد. از مؤسسه مادام کلود، دختران تلفنی را با هواپیمای کنکورد از پاریس می‌آوردند (به سفیر انگلیس اطمینان دادند که تعدادی دختران انگلیسی نیز وجود دارند)، متصدیان میزهای قمار از آفریقای جنوبی، بوتیک‌ها از رم، دستگاه‌های صوتی و موتورسیکلت‌ها و دوربین‌های عکاسی و اتومبیل‌های مخصوص پلاژ از ژاپن.»



۱۹



## غصب جنگل‌های ملی توسط برادر شاه

خاندان پهلوی در دوره حکومت خود اموال و املاک و زمین‌های ملی بسیاری را غارت و به نام خود زده بود. از یکی از سندهای به‌جامانده از ساواک خبر از غارت و غصب جنگل‌های ملی در بخشی از شمال کشور توسط محمودرضا پهلوی برادر شاه می‌دهد.

«روستاییان بخش کلاردشت از توابع چالوس از اقدامات والاحضرت محمودرضا انتقاد





و اظهار داشته‌اند والا حضرت جنگل‌های ملی شده را غصب و هر روستایی که حاضر به ترک محل نبوده با زور شلاق بیرون کرده و به دور زمین و جنگل سیم خاردار کشیده و راه اصلی روستاییان را مسدود نموده است.»

همچنین در سند دیگری خبر از بخشش ۲۲۰ هکتار از زمین‌های گران از سوی شاه به برادرش حمیدرضا می‌دهد. زمین‌هایی که توسط محمدرضا از مردم غصب شده بود.

## خاندان قمارباز پهلوی

از دیگر فسادهای بسیار رایج در رژیم پهلوی قماربازی بوده است. در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی شماره بازیابی ۴۰۶، صفحات ۱۹ و ۱۹۴ در خصوص قماربازی محمدرضا پهلوی آمده است:

«محمدرضا پهلوی تمام عمر عاشق بازی پوکر بوده است و تنها وقتی که در یک شب حدود ۷۰۰ هزار پوند باخت این بازی را کنار گذاشت و بعدها فقط به بازی بریج اکتفا می‌کرد.»

مینو صمیمی که سال‌ها منشی سفیر ایران در سوئیس و بعد از آن مدتی منشی فرح همسر شاه بود، در کتاب خاطرات خود مستندی از ولخرجی‌ها و حیف و میل‌های شاه و درباریان او ارائه داده است که یکی از این خاطرات به ماجرای قماربازی‌های اشرف پهلوی، مربوط است.

صمیمی در یکی از خاطرات خود از اشرف پهلوی می‌نویسد:

«شاهزاده اشرف پهلوی سمت نمایندگی رژیم شاه در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد را نیز برعهده داشت. گفتنی است که او هربار برای شرکت در این کمیسیون عازم نیویورک می‌شد سر راه خود در جنوب فرانسه هم توقف می‌کرد تا ابتدا همراه معشوقه



۲۱



جدیدش در کازینوها به قمارهای چند میلیون پابندی بپردازد و آنگاه آماده حضور در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌شد.»

### رژیم رشوه‌باز

یکی از شیوه‌های رایج انتصاب در رژیم شاه به صورت پرداخت رشوه بود. به‌طوری‌که در یکی از گزارش‌های ساواک در خصوص پرداخت مبلغ پنج میلیون تومان توسط شاهرخ فیروز به امیر هوشنگ دولو در یک بازی قمار و پرداخت همین مبلغ رشوه به وی جهت وساطت نزد محمدرضا پهلوی به منظور انتصاب فیروز به سفارت و قبول این درخواست توسط محمدرضا پهلوی چنین آمده است:

«طبق اطلاع موثق یک نفر در یک مهمانی (گوینده شناخته نشد) شاهرخ میرزا در یک بازی قمار مبلغ ۵ میلیون تومان به امیر هوشنگ دولو باخته و بعد از اتمام بازی مبلغ ۵ میلیون تومان دیگر به وی داده و تقاضا نموده که مشارالیه از حضور شاهنشاه آریامهر تقاضا نماید که نامبرده را به مقام سفارت منصوب فرمایند که تقاضای شاهرخ فیروز مورد موافقت آقای دولو و شاهنشاه واقع و وی به سفارت منصوب می‌گردد. اظهارکننده در خاتمه گفتار خود اضافه نموده که شاهرخ فیروز از میلیاردهای معروف کشور می‌باشد...»



۲۲



## لیستی از مهم‌ترین دارایی‌ها و اموال خاندان پهلوی

سوءاستفاده از قدرت در جمع مال و ثروت، خصلت شوم و ناپسندی بود که از دربار پهلوی به وابستگان و اطرافیان تا مسئولین ارگان‌های مختلف سرایت کرده بود.

نمونه اسناد و مدارکی که از سفارت آمریکا به دست ملت ایران افتاد، نشان می‌دهد که آمریکائی‌ها، کاملاً در جریان فسادگسترده رژیم، قرار داشته‌اند.

فسادی که در دربار وجود داشت، حقیقتاً ابعاد وحشتناکی به خود گرفته است. برادران و خواهران شاه، به خاطر دلالتی برای عقد قرارداد بین دولت ایران و شرکت‌هایی که گاه خودشان نیز جزء سهام‌داران عمده آنها بودند، حق‌العمل‌های کلانی به چنگ می‌آوردند، ولی گرفتاری اصلی در این قضیه، فقط مسئله رشوه‌خواری یا دریافت حق کمیسیون توسط خانواده سلطنتی نبود، بلکه اقدامات آنها الگویی برای تقلید دیگران می‌شد و به صورت منفی درآمدی بود که جامعه را در هر سطحی به آلودگی می‌کشاند.

در ادامه برای نمونه، فهرستی از دارایی‌ها و اموال خاندان پهلوی را جهت بهتر شناختن عمق قضایای می‌آوریم:

### بانکها، شرکت‌های بیمه و مؤسسات سرمایه‌گذاری وابسته به خاندان پهلوی

۱. بانک عمران: سرمایه ۴ میلیارد ریال، دارایی ۱۱۰۱۱۲ میلیون ریال (اسفند ۵۶) بنیاد پهلوی کلیه سهام.

۲. بانک ایران‌شهر: سرمایه ۳ میلیارد ریال، دارایی ۲۶۷۴۷ میلیون ریال (اسفند ۵۵) بنیاد پهلوی ۳۰٪ سهام.

۳. بانک داریوش: سرمایه ۵ میلیارد ریال، دارایی ۲۴۱۴۶ میلیون ریال (اسفند ۵۶) بنیاد پهلوی سهام‌دار عمده.

۴. بانک توسعه و سرمایه‌گذاری ایران: سرمایه ۳۰۴۰ میلیون ریال، دارایی ۲۱۶۴۲ میلیون ریال



۲۳





۲۴



- (اسفند ۵۵) بنیاد پهلوی جزو سهام‌داران.
۵. بانک اعتبارات ایران: سرمایه ۲ میلیارد ریال، دارای ۱۲۳۴۵۸ میلیون ریال، شفیق‌ها (فرزندان اشرف) سهام‌دار عمده.
۶. بیمه ملی ایران: سرمایه ۱۵۰ میلیون ریال بنیاد پهلوی کلیه سهام.
۷. شرکت عمران ترنیوال ایران: بنیاد پهلوی و سه شرکت خارجی سهام‌داران.
۸. شرکت سرمایه‌گذاری عمران: بنیاد پهلوی سهام‌دار عمده.
۹. شرکت ایران‌شهر فینانس: بنیاد پهلوی جزو سهام‌داران.
۱۰. شرکت آریالیسینگ: بنیاد پهلوی جزو سهام‌داران.
۱۱. بانک صنعتی شهریار: سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی جزو سهام‌داران.
۱۲. شرکت بین‌المللی توسعه و عمران: سرمایه ۷۰ میلیون ریال بنیاد اشرف پهلوی و دو شرکت خارجی سهام‌داران.
۱۳. شرکت خدمات بیمه‌ای خاورمیانه: بنیاد اشرف پهلوی کلیه سهام.
۱۴. مرکز بین‌المللی پروژه‌های ایران پروزا پهلوی (زن احمدرضا) و یک شرکت آلمانی کلیه سهام.
۱۵. شرکت پس‌انداز وام مسکن کوروش: بنیاد پهلوی و خیریه فرح پهلوی جزو سهام‌داران.
۱۶. شرکت وام پس‌اندازان اکباتان: بنیاد پهلوی جزو سهام‌داران.
۱۷. شرکت عمران فینانسیه: مرکز در ژنو برای سرمایه‌گذاری در خارج از کشور بنیاد پهلوی سهام‌دار عمده.
۱۸. فرست ویسکانسیس کوریورپش: بنیاد پهلوی ۵٪ سهام.

### صنایع فلزی

۱. شرکت جنرال موتورز ایران: سرمایه ۹۰۰ میلیون ریال، بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۲. شرکت جیپ: سرمایه ۶۰۰ میلیون ریال بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۳. شرکت هپکو: مونتاژ ماشین‌های راه‌سازی و دیگر خودروهای سنگین، سرمایه ۷۰۰ میلیون



۲۵



ریال، بنیاد پهلوی سهامدار عمده.

۴. شرکت تولید شاسی و بدنه اتومبیل در ایران: سرمایه ۶۰۰ میلیون ریال بنیاد پهلوی و شرکت آلمانی تیسن کلیه سهام.

۵. شرکت پیشتازان: مونتاژ موتورسیکلت و دوچرخه، شهناز پهلوی با مشارکت شرکت هوندای ژاپن، کلیه سهام.

۶. شرکت تولیدی تیزرو: شهناز پهلوی با مشارکت شرکت هوندای ژاپن، کلیه سهام.

۷. شرکت پرشیال متال فورنر: تولید پروفیل فلزی و جراثقال سقفی سرمایه ۱۰۸ میلیون ریال، پهلبدها سهامدار عمده.

۸. گروه کارخانه‌های نورد آلومینیوم: عبدالرضا پهلوی سهامدار عمده.

۹. شرکت ایران - جان دیر: مونتاژ تراکتور، سرمایه اولیه ۷۰۰ میلیون ریال عبدالرضا پهلوی سهامدار عمده.

۱۰. شرکت کارخانجات نورد و پروفیل ساوه: منیژه پهلوی (همسر غلامرضا) سهامدار عمده

۱۱. شرکت بورد و لوله اهواز: سازمان شاهنشاهی و خدمات بنیاد پهلوی جزو سهامداران.

۱۲. شرکت صنعتی ایرتراکستون: ساختن جرثقیل، اهرم و غیره، بنیاد پهلوی جزو سهامداران

۱۳. شرکت ابرفو: قالب‌سازی و ریخته‌گری، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.

۱۴. شرکت داک تیران: تولید لوله‌های چدنی بنیاد پهلوی جزو سهامداران.

۱۵. شرکت آلوم پارس: تولید وسایل آلومینیومی، شمس پهلوی جزو سهامداران.

### صنایع متفرقه

۱. شرکت بریجستون ایران: سرمایه ۱۸۵ میلیون ریال، محمودرضا پهلوی با مشارکت دو شرکت ژاپنی سهامدار عمده.

۲. شرکت تولیدی کیان‌تایر: بنیاد پهلوی سهامدار عمده.

۳. شرکت زگالش: ساخت آند، کاتدوالکترولو، بنیاد پهلوی سهامدار عمده.



۴. شرکت تارابگین: ساخت انواع عایق‌های حرارتی و صوتی، بنیاد پهلوی سهام‌دار عمده.
۵. شرکت کارخانه‌های مداد ایران، موقوفه آرامگاه پهلوی کلیه سهام.
۶. شرکت لادال: تولید مواد شیمیایی، بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۷. گروه صنایع کاغذ پارس: سازمان شاهنشاهی خدمات سهام‌دار عمده.
۸. شرکت حریر پارس: سازمان شاهنشاهی خدمات سهام‌دار عمده.
۹. شرکت داروپخش: سرمایه ۱۲۰ میلیون ریال، داروسازی، سازمان شاهنشاهی خدمات کلیه سهام.
۱۰. شرکت تولیدی و صنعتی آبگینه: تولید شیشه جام با مشارکت شرکت گلاوریل بلژیک، خیریه فرح پهلوی جزو سهام‌داران.
۱۱. شرکت شل شیمیایی ایران: تولید مواد شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی با مشارکت شرکت شل - هلند، شهرام پهلوی نیا سهام‌دار عمده.

### صنایع ناجی

۱. شرکت شه‌باف: سرمایه ۴۸۰ میلیون ریال، محمودرضا پهلوی سهام‌دار عمده.
۲. شرکت ایران پوپلین: سرمایه ۲۰۰ میلیون ریال، محمودرضا پهلوی جزو سهام‌داران.
۳. ریسندگی و بافندگی آذر اصفهان: شهرام پهلوی نیا جزو سهام‌داران.
۴. شرکت ریسندگی و بافندگی کرج: غلامرضا پهلوی و خانواده، اکثریت سهام.

### صنایع اخفانی

۱. شرکت سیمان فارس و خوزستان: سرمایه هفت میلیارد ریال، بنیاد پهلوی، اکثریت سهام.
۲. شرکت سیمان آبیک قزوین: بنیاد پهلوی، اکثریت سهام.
۳. شرکت سیمان تهران: بنیاد پهلوی، سهام‌دار عمده.



۲۷



۴. شرکت صنایع سیمان غرب: بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۵. شرکت پارسوئند: ایجاد قطعات پیش‌ساخته ساختمانی، سازمان شاهنشاهی خدمات جزو سهامداران.
۶. شرکت آجر جنوب: محمودرضا پهلوی، اکثریت سهامداران.
۷. شرکت گچ تهران: بنیاد پهلوی و شهرام پهلوی‌نیا، جزو سهامداران.
۸. شرکت ایرانیت: بنیاد پهلوی، جزو سهامداران.
۹. شرکت پلاست ایران: تولید لوازم ساختمانی، بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
۱۱. شرکت آهک چالوس: مهدی بوشهری (شوهر اشرف) جزو سهامداران.

### معادن

۱. شرکت معدنی سنگواره: بنیاد پهلوی، ۴۰٪ سهام.
۲. شرکت آبسنگ: خیریه فرح جزو سهامداران.
۳. شرکت فیروزه مشهد: محمودرضا پهلوی، اکثریت سهام.
۴. شرکت صنعتی شهوند: محمودرضا پهلوی، سهام‌دار عمده.
۵. شرکت معدنی دونا: محمودرضا پهلوی، سهام‌دار عمده.
۶. شرکت معدنی ایران و رومانی: محمودرضا پهلوی، جزو سهامداران.
۷. شرکت دونا سنگ: بنیاد پهلوی و محمودرضا پهلوی جزو سهامداران عمده.
۸. شرکت معادن نورکان: محمودرضا پهلوی سهام‌دار عمده.

### شرکت‌های ساختمانی

۱. سازمان نوسازی و عمرانی ارضی غرب تهران: بنیاد پهلوی، کلیه سهام.
۲. سازمان عمران کیش با سرمایه‌گذاری حدود ۲۰۰ میلیون دلار، بنیاد پهلوی کلیه سهام.



۲۸







۲۹



۳. شرکت عمران و آپارتمان سازی خوردین، بنیاد پهلوی کلیه سهام.
۴. شرکت ساختمانی عمران تکلاز: بنیاد پهلوی و دو شرکت یونانی و دانمارکی، کلیه سهام.
۵. شرکت عمرانی و شهرسازی شمیران نو: بنیاد پهلوی سهام دار عمده.
۶. شرکت ساختمانی فرانکور ایرانین: بنیاد پهلوی کلیه سهام.
۷. شرکت ساختمانی آرییتا: بنیاد پهلوی کلیه سهام.
۸. شرکت مونتکس ایران: بنیاد پهلوی و یک شرکت آلمانی کلیه سهام.
۹. شرکت آتی ساز: بنیاد پهلوی جزو سهام داران.
۱۰. شرکت خانه سازی اسکان ایران: بنیاد پهلوی و شرکت آمریکایی رینولدز کوشتراکشن کلیه سهام.
۱۱. شرکت لتمان کن: بنیاد پهلوی، اکثریت سهام.
۱۲. شرکت نوکار: بنیاد پهلوی جزو سهام داران.
۱۳. شرکت ساختمانی گلزار: بنیاد پهلوی سهام دار عمده.
۱۴. شرکت ساختمانی کلبه: محمودرضا پهلوی سهام دار عمده.
۱۵. شرکت م. ج. م: محمودرضا پهلوی اکثریت سهام.
۱۶. شرکت عمران ملک شهر (ساختمان یک شهرک در نزدیکی اصفهان): محمودرضا پهلوی سهام دار عمده.
۱۷. شرکت خانه سازی و توسعه تهران بزرگ: محمودرضا پهلوی سهام دار عمده.
۱۸. شرکت شهرسازی و ساختمانی فرح آباد: محمودرضا پهلوی اکثریت سهام.
۱۹. شرکت فشیران: کیوان پهلوی نیا، پسر فاطمه پهلوی اکثریت سهام.
۲۰. گروه مهندسی مشاور لوترک: کیوان پهلوی نیا اکثریت سهام.
۲۱. شرکت سهامی مهندسی و نوسازی ایران مونیر: شهرام پهلوی نیا با مشارکت یک گروه فرانسوی، کلیه سهام.
۲۲. شرکت کایدسمیت اینترنشنال: شهرام پهلوی نیا با مشارکت یک گروه خارجی، کلیه سهام.

۲۳. شرکت خانه‌سازی الهیه: شهرام پهلوی نیا اکثریت سهام.
۲۴. شرکت مهندسی و ساختمانی ایران نیهون: شهرام پهلوی نیا به اضافه یک گروه شرکت‌های ژاپنی، کلیه سهام.
۲۵. شرکت مهستان: بنیاد اشرف پهلوی کلیه سهام.
۲۶. شرکت گسترش شمال شهید: سرمایه ۱۰۰۰ میلیون ریال، اشرف پهلوی کلیه سهام.
۲۷. شرکت سازانکو: بنیاد اشرف پهلوی و یک شرکت خارجی کلیه سهام.
۲۸. شرکت ث. ژ. آ: مهدی بوشهری و یک گروه خارجی، کلیه سهام.
۲۹. شرکت عمرانی شهر صنعتی ساوه: شهباز پهلبد پسر شمس پهلوی اکثریت سهام.
۳۰. شرکت فیاتک: شهر آزاد پهلبد، دختر شمس و یک شرکت ایتالیایی اکثریت سهام.
۳۱. شرکت آناهیتا: شهباز پهلبد کلیه سهام.
۳۲. شرکت ایران موبیل هرمز: شهباز پهلبد پسر شمس اکثریت سهام.
۳۳. شرکت ساختمانی فرامین: شهباز پهلبد اکثریت سهام.
۳۴. شرکت شهر صنعتی کورش: شهباز پهلبد اکثریت سهام.
۳۵. شرکت کورش بنا: شهباز پهلبد جزو سهام‌داران.
۳۶. شرکت ساختمانی و مهندسی مهرشهر: شهباز و پهلبد اکثریت سهام.
۳۷. شرکت ایراسر: شهباز پهلبد اکثریت سهام.
۳۸. شرکت سازگان: شهباز پهلبد اکثریت سهام.
۳۹. شرکت ایرا - اسبی کاپاک: پهلبد‌ها و یک شرکت فرانسوی کلیه سهام.
۴۰. شرکت ساختمانی خطوط لوله ایران: پهلبد‌ها یک سهم.
۴۱. شرکت سامان ایران: شهرام پهلوی نیا جزو سهام‌داران.
۴۲. شرکت شیشان: غلامرضا پهلوی ۴۰٪ سهام.
۴۳. شرکت اینداستریال هومز اینترنشنال: غلامرضا و منیژه پهلوی کلیه سهام.
۴۴. شرکت سودنک ایران: شفیق‌ها سهام‌دار عمده.



۳۰



## صنایع غذایی (واحدهای کشاورزی و دامداری)

۱. شرکت تولیدی قند کرج: بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۲. شرکت قند پارس: بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۳. شرکت قند مرودشت: بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۴. شرکت تولیدی کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز: بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۵. شرکت قند دزفول: بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۶. شرکت قند فسا: بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۸. شرکت قند کرمانشاه: بنیاد پهلوی سهامدار عمده.
۹. شرکت قند لرستان: بنیاد پهلوی اکثریت سهام.
۱۰. شرکت زرنوش: بنیاد پهلوی سهامدار عمده.
۱۱. شرکت کشت و صنعت جیرفت: بنیاد پهلوی ۲۰٪ سهام.
۱۲. شرکت ایران شل - کات: بنیاد پهلوی ۱۰٪ سهام.
۱۳. شرکت دامداری و کشاورزی ایران اسکاتیش: بنیاد پهلوی و شمس پهلوی اکثریت سهام.
۱۴. شرکت تولید و بسته‌بندی گوشت زیاران: بنیاد پهلوی جزو سهام‌داران.
۱۵. شرکت تولیدی وردا: کارخانجات سرکه‌سازی و تولید مواد غذایی، نیلوفر پهلوی‌نیا دختر حمیدرضا سهامدار عمده.
۱۶. شرکت کشت و صنعت شهبازان: محمودرضا پهلوی اکثریت سهام.
۱۷. شرکت کشاورزی کیان‌شهر: محمودرضا پهلوی اکثریت سهام.
۱۸. شرکت کشاورزی و دامپروری ایران: محمودرضا پهلوی اکثریت سهام.
۱۹. شرکت کشت و صنعت و مجتمع گوشت فتک خشکه رود: محمودرضا پهلوی سهامدار عمده.
۲۰. شرکت صنایع کشاورزی گل‌تپه: محمودرضا پهلوی سهامدار عمده.



۳۱





۳۲



۲۱. شرکت عمران روستای ایران: شهرام پهلوی نیا، سهام دار عمده.
۲۲. کارخانه کشمش تاکستان: بنیاد پهلوی کلیه سهام.
۲۳. شرکت تولید عمران دشت: تولید خوراک دام و طیور و تولید الکل، بنیاد پهلوی اکثر سهام.
۲۴. شرکت کشاورزی و آبیاری نیولا: کیوان پهلوی نیا اکثریت سهام.
۲۵. شرکت صنایع روغن نباتی، شکوفه آریا: بنیاد پهلوی و فاطمه پهلوی اکثریت سهام.
۲۶. شرکت کی دشت: شهناز پهلوی و شوهرش خسرو جهانبانی اکثریت سهام.
۲۷. شرکت جهان مورا: شهناز پهلوی و شوهرش خسرو جهانبانی اکثریت سهام.
۲۸. شرکت تولید ابریشم ایران: شهرام پهلوی نیا و یک گروه ژاپنی کلیه سهام.
۲۹. مجتمع دامپروری و شیر پاستوریزه شهفر: شهرام پهلوی نیا جزو سهام داران.
۳۰. شرکت گله: ایجاد واحدهای کشت و صنعت، اشرف پهلوی کلیه سهام.
۳۱. شرکت بذر پیشرو: عبدالرضا پهلوی سهام دار عمده.
۳۲. سازمان کشاورزی دشت ناز: عبدالرضا پهلوی نیا کلیه سهام.
۳۳. شرکت شهیرین: احمد رضا و روزا پهلوی کلیه سهام.
۳۴. شرکت تهران یوزه: واردات گوشت و غلات احمد رضا و روزا پهلوی اکثریت سهام.
۳۵. سازمان کشاورزی علی پهلوی، علی پهلوی پسر علیرضا کلیه سهام ...

### شرکت های بازرگانی

۱. شرکت بهداشتی عمران: واردات مواد دارویی و لوازم آرایش بنیاد پهلوی سهام دار عمده.
۲. شرکت ماشین آلات عمرانی: واردات ماشین آلات راه سازی و ساختمانی محمودرضا پهلوی سهام دار عمده.
۳. شرکت سولرز ایران: واردات و حق العمل کاری مهدی بوشهری اکثریت سهام.
۴. شرکت آپریل موزیک: پخش نوار و صفحه مهدی بوشهری اکثریت سهام.
۵. شرکت تولیدی و بازرگانی مهرآفرین: واردات و نمایندگی شهباز پهلبد اکثریت سهام.

۶. شرکت توسعه تجارت شهاوران: احمدرضا پهلوی، سهام‌دار عمده.  
۷. شرکت بی. اند. اف، واردات و نمایندگی: بهمن پهلوی پسر غلامرضا، اکثریت سهام.

### شرکت‌های خدماتی

۱. شرکت ان. سی. آر. ایران: پخش لوازم الکترونیکی در ایران، بنیاد پهلوی ۲۸٪ با مشارکت نشنال کش رجیتر آمریکا.
۲. شرکت حفاری سد ایران و عملیات حفاری و تعمیر چاه‌های نفت و گاز بنیاد پهلوی با مشارکت سدکوانیک.
۳. شرکت خدمات دریایی ایران: بنیاد پهلوی کلیه سهام.
۴. بنگاه بخت آزمایی ملی: سازمان شاهنشاهی خدمات کلیه سهام.
۵. شرکت فوتبال ایران: بنیاد پهلوی، سهام‌دار عمده.
۶. شرکت تدارکات و خدمات دریایی باسکو: محمودرضا پهلوی سهام‌دار عمده.
۷. شرکت سی. آر. سی: فاطمه پهلوی سهام‌دار عمده (ساختمان بولینگ)
۸. شرکت خدمات هواپیمایی ژاپن: شهرام پهلوی نیا سهام‌دار عمده.
۹. شرکت هواپیمایی ارتاکسی: شفیق اکثریت سهام.
۱۰. شرکت هواپیمایی خدمات ویژه: شفیق‌ها جزو سهام‌داران.
۱۱. انجمن قایقرانی بادبانی: شهریار شفیق.
۱۲. شرکت خدمات سینمایی و فیلمبرداری: مهدی بوشهری اکثریت سهام.
۱۳. شرکت آب‌های معدنی دماوند: مهدی بوشهری و یک شرکت فرانسوی.
۱۴. کانون ورزشی مهر: مهرداد پهلبد شوهر شمس.
۱۵. کلوب ورزشی دریاکنار: غلامرضا پهلوی و بنیاد پهلوی کلیه سهام.
۱۶. شرکت مزون و دکور: سیمین دخت آتابای (نوه رضاشاه) کلیه سهام.
۱۷. شرکت ایران شکار: کامران آتابای.



۳۳





۳۴



۱۸. شرکت جهانگردی ایران و ژاپن: بنیاد پهلوی جزو سهامداران.
  ۱۹. شرکت ایران ساسو (کامیون برنارد) مقاطعه کاری و اداره اموال شفیق ها جزو سهامداران.
  ۲۰. شرکت لیزینگ ایران: عملیات لیزینگ شفیق ها جزو سهامداران.
  ۲۱. شرکت سافریدان: معاملات رهن، شفیق ها جزو سهامداران.
  ۲۲. سافریناس: شفیق ها جزو سهامداران.
  ۲۳. شرکت هتل های لوکس ایران: بنیاد پهلوی کلیه سهام.
  ۲۴. سازمان عمرانی و توریستی نمک آبرود: بنیاد پهلوی سهام دار عمده.
  ۲۵. شرکت هتل های ایران: بنیاد پهلوی ۵۰٪ سهام.
- هتل هایی که بنیاد پهلوی با کلیه سهام، آنها را در دست داشت و یا در سهام آنها سهیم بود، از جمله عبارتند از: هتل های بابل سر، ونک، رامسر، آریا، شرایتون، کوروش، چالوس، داریوش، گامرون، هتل پرسپولیس، هایت خزر، هایت مشهد، هیلتون تهران، تخت سر آبعلی، شاهی، بوعلی همدان و... [۹]

پی نوشت:

۱. اسناد ضمیمه مقاله از آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی کد ۱۲۱۶۸ تهیه شده است.
۲. اسکندر دلد، زندگی و خاطرات امیرعباس هویدا، چاپ چهارم، تهران، گلفام، ۱۳۷۵، ص ۲۴۲
۳. زاهدی، اردشیر، ۲۵ سال در کنار پادشاه، به کوشش: ابوالفضل آتابای، تهران، عطایی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۳.
۴. کیهان هوایی، شماره ۱۱۰۶، چهارشنبه ۱۸ آبان ۱۳۷۴، ص ۹.
۵. عباس میلانی، همان، ص ۵۱۴.
۶. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. عباس میلانی، نگاهی به شاه، تورنتو: پرشین سیرکل، ۱۳۹۲، ص ۵۰۹.
۸. مرکز اسناد انقلاب اسلامی: (<http://yon.ir/nT6bk>)
۹. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۱۷۷۳.



## فاد اخلاقی



۳۶



### هوس بازی های محمدرضا متاثر از توصیه مادر به فرزند!

شاه در فساد جنسی بی‌مبالایی را به اوج رسانده بود. دربار او دائم محل رفت‌وآمد فواحش خارجی و معشوقه‌های داخلی بود. او از دوران جوانی تا اندکی پیش از مرگ دست از زن‌بارگی برنداشت. شاید رفتار جنون‌آمیز جنسی محمدرضا بی‌تأثیر از آموزه‌های مادرش نبود، زیرا مادرش به او سفارش می‌کرد: «از قدیم و ندیم گفته‌اند به هر چمن که رسیدی گلی بچین و برو!»

### محمدرضا پهلوی و مادرش

شاه و دلال محبت او علم، در رابطه با اخلاق جنسی به این اعتقاد رسیده بودند که مردان بزرگ احتیاج به یک سرگرمی دارند و مسئله جنسی بهترین سرگرمی است. علم در یکی از یادداشت‌هایش می‌نویسد: یک روز شاه و علم درباره دوستان مؤنث، گپ می‌زدند. شاه از پیر شدن معشوقه‌ها صحبت می‌کرد و افزود «با وجود همه اینها اگر این سرگرمی‌ها را هم نداشتیم به کلی داغان می‌شدیم.» علم نیز که در فساد جنسی دست کمی از شاه نداشت در



تأیید شاه گفت: «همه مردانی که مسئولیت‌های خطیر به عهده دارند نیاز به نوعی سرگرمی دارند و به عقیده من مصاحبت جنس لطیف تنها چاره کارساز است.» (۱)

### علل گرایش محمدرضا به زنان از نگاه یک روان‌شناس

محمدرضا شاه ضعف زیادی در برابر زنان داشت، در فساد اخلاقی حد و مرزی نمی‌شناخت و اصول اخلاقی را رعایت نمی‌کرد. (۲)

یکی از روان‌شناسان فرانسوی که جزء پزشکان خانوادگی پهلوی بود در مورد علت گرایش شدید شاه به انحرافات جنسی می‌نویسد: «رضاشاه با روحیه قلدری و دیکتاتوری که داشت محمدرضا را در کودکی از خانواده دور کرد و توسط مربیان خشن فرانسوی و آلمانی در سوئیس بزرگ شد و مجموعه این وقایع در رفتار و آینده او اثر مخربی برجای گذاشت او بعدها کوشید کمبود محبت نهاده شده در جسم و جان خود را ضمن معاشرت‌های افراطی با زنان گوناگون جبران نماید.» (۳)

### تأسیس تشکیلاتی برای هوسرانی‌های شاه

علی شهبازی یکی از نیروهای گارد شاهنشاهی و سرتیم محافظ شاه، کسی که تا پایان عمر، در خارج از کشور، مغرب، پاناما، آمریکا و مصر او را ترك نکرد، در خاطرات خود، پرده از شبکه‌ای برمی‌دارد که برای فساد و زنجارگی شاه فعالیت می‌کردند. او معتقد است از وقتی که علم وزیر شد، در وزارت دربار «تشکیلاتی ویژه برای سرگرمی شاه درست کرده بود که اعضای آن سازمان عبارت بودند از خود علم، افسانه رام، سیروس پرتوی، امیر متقی، ابوالفتح آتابای، کامبیز آتابای، هرمز قریب، سلیمانی، سرهنگ جهان‌بینی، عباس حاج فرجی، حسین حاج فرجی،



ابوالفتح محوی، خانم آراسته و سرهنگ اویسی، تعدادی خارجی هم با آنها همکاری داشتند. این تشکیلات يك بودجه سرسام آور داشت.» او درمورد وظیفه این تشکیلات می گوید: «کارشان این بود که خانم‌های شوهردار و دختران بخت برگشته و یا همسران و دختران کسانی را که می‌خواستند مقامی بگیرند، برای شاه بیاورند.» (۴)

از سوی دیگر اشخاصی همچون فردوست، شمس، علم، اشرف، عبدالرضا و هوشنگ دولو ماموریت داشتند که زنانی که خوش‌تیپ و به سبک اروپایی بودند به شاه معرفی کرده و آپارتمان‌هایی در تهران برای آنها دست‌وپا کنند تا شاه بتواند با زنان جوان خلوت کند. (۵)

### نخستین گام‌های محمدرضا در مسیر اخلاقی

محمدرضا در اوایل جوانی که برای تحصیل به مدرسه لهروزه سوئیس رفته بود، عاشق یکی از مستخدمه‌های مدرسه شد و پس از برقراری ارتباط، دخترک را حامله کرد. محمدرضا با کمک فردوست با پرداخت پول از آن دخترک خواستند تا سقط جنین کند و مدرسه را ترک نماید.

رضاشاه پس از بازگشت محمدرضا از سوئیس به ملکه مادر سفارش کرد که برای جلوگیری از رابطه محمدرضا با زنان ناباب، يك خانمی برای او به دربار بیاورند. درباریان برادرزاده ساعد مراغه‌ای را که زن مطلقه‌ای به نام فیروزه بود با پرداخت ماهیانه سیصد تومان به دربار آوردند و تا ازدواج محمدرضا و فوزیه با او بود.

### ازدواج هم مانع مفاد اخلاقی محمدرضا نشد

شاه پس از ازدواج با فوزیه همچنان به روابط نامشروع خود ادامه می‌داد و همین امر موجب شد تا ملکه فوزیه از ماجراهای عاشقانه او خشمگین شود. شاه با حضور فوزیه، عاشق دختری به



۳۸



نام «دیوسالار» شد، او که هنوز به تشریفات اسکورت مبتلا نشده بود، با يك دستگاه اتومبیل به منزل دخترک می‌رفت. با شیطنت ارنست پرون، موضوع به اطلاع فوزیه رسید. پرون، فوزیه را سر قرار برد و وقتی محمدرضا از خانه دیوسالار بیرون آمد، او را مشاهده کرد. فوزیه نیز به تلافی خیانت شاه با تقی امامی دوست شد و اختلافات شاه و فوزیه از آن پس شدت گرفت و سرانجام منجر به طلاق گردید.

### معشوقه‌ای به نام پروین غفاری

شاه در این دوره از زندگی‌اش حتی آپارتمان‌هایی در تهران دست‌وپا کرد تا بتواند با زنان جوان خلوت کند. معروف‌ترین معشوقه شاه در این دوره، پروین غفاری بود. پروین غفاری، «۱۷۱۶ ساله، موبور، زیبا و بلندقد»، دختر میرزا حسین غفاری همدانی یکی از کارمندان مجلس شورای ملی بود.

فردوست يك روز در باشگاه افسران با وی و مادرش آشنا شد و چون سلیقه شاه را می‌دانست او را به شاه معرفی کرد. سرانجام با دلالتی فردوست، ترتیب ملاقات وی با شاه در سرخ حصار داده شد. پروین غفاری کم‌کم به دربار راه یافت و در حال‌وهوای ملکه شدن، از شاه حامله شد. اما شاه وی را مجبور کرد تا توسط پروفیسور عدل دوست شاه سقط جنین کند. شاه پس از بهبودی پروین، خانه‌ای در خیابان کاخ نزدیک کاخ مرمر برای وی خریداری کرد تا به وی نزدیک‌تر باشد. سرانجام پس از مدتی پروین از چشم شاه افتاد و از دربار رانده شد.

پروین غفاری پس از پیروزی انقلاب اسلامی خاطرات خود را در کتابی به نام «تا سیاهی...» منتشر کرد. وی در این کتاب نشان می‌دهد که «شاه چقدر موجود جلفی بوده، تا آنجا که خود به تنهایی در خیابان‌ها به دنبال شکار دختران می‌افتاده است.»



۳۹





شاه کار را به حدی رسانده که چند بار از دیوار خانه پروین بالا رفته است. او دوره بعد از طلاق فوزیه را چنین ترسیم می‌کند: «در تهران آن روزگار شایع بود که برای شبهای تنهایی او دخترانی زیبا را شکار کرده و به دربار می‌برند. حتی نام دختری ایتالیایی به نام «فرانچیسکا» در لیست معشوقه‌های شاه بود.»

غفاری در این کتاب یکی از خصوصیات بارز شاه را زن‌بارگی او می‌داند که دست از هرزگی برنمی‌داشت و در تمام بزم‌های شبانه با دریدگی به زنان و دختران چشم می‌دوخت و به بهانه‌های مختلف سعی می‌کرد با آنها تنها باشد و یا آنان را به رقص دعوت کند.

### ازدواج ناکام شاه با ثریا در سال ۱۳۲۹

شاه با تداوم حکومت پهلوی‌ها و لزوم داشتن ولیعهد ناچار شد در سال ۱۳۲۹ با ثریا ازدواج کند. اما این ازدواج پس از هفت سال ثمری برای دودمان پهلوی نداشت و ثریا نیز از دربار رانده و مطلقه شد. پس از جدایی شاه از ثریا، زندگی عشقی شاه رونق گرفت و به قول ویلیام شوکراس، شاه يك بار دیگر الواطی‌هایش را از سر گرفت.

### گزارش‌ها درباره مفاسد اخلاقی شاه

بعدها سیا در یکی از گزارش‌هایش درباره شاه متذکر شد که سلیقه او جنبه جهانی دارد و همه نژادها را دوست دارد. شاید گزارش سازمان سیا زیاده‌روی باشد چراکه هیچ گزارشی از این که شاه به دختران چینی یا آفریقایی علاقه داشته باشد نرسیده است و به گفته ملکه مادر، محمدرضا در برابر دختران موطلابی تسلیم محض بود. يك بار که در جوانی با هواپیمای آلمانی مسافرت می‌کرد عاشق میهمانداران موطلابی هواپیمایی لوفت‌هانزا شده بود... همین مسئله مدت‌ها



۴۱



موجب بدبختی محمدرضا شده بود و پول‌های زیادی را صرف میهمانداران لوفت‌هانزا می‌کرد و يك قسمت از دربار مسئول دعوت و پذیرایی از میهمانداران بود.

## شاه و هوس ستاره‌های سینمای آمریکا

شاه در این دوره علاوه بر مراوده با میهمانداران موطلاپی اروپایی به عشق دختران آمریکایی نیز مبتلا شده بود. در مسافرت‌هایش به آمریکا هم زن‌های متعددی را می‌دید که دلو به او معرفی می‌کرد. شاه کم‌کم عاشق ستاره‌های سینمایی و ملکه‌های زیبایی می‌شد و با هزینه‌های سرسام‌آور به مراد می‌رسید.

ارتشبد فردوست که خود یکی از دلالان فساد محمدرضا بود، می‌گوید: «در مسافرت شاه به نیویورک من دو نفر را به محمدرضا معرفی کردم، یکی گریس کلی بود که در آن زمان آرتیست تئاتر بود و دو بار با او ملاقات [کرد] و محمدرضا به وی يك سری جواهر به ارزش حدود يك میلیون دلار داد. این زن بعداً همسر پرنس موناکو شد... نفر دوم يك دختر آمریکایی ۱۹ ساله بود که ملکه زیبایی جهان بود... چند بار با محمدرضا ملاقات کرد و به او نیز يك سری جواهر داد که حدود يك میلیون دلار ارزش داشت.»

معروف‌ترین معشوقه‌های شاه در این دوره گیتی خطیر بود که در آستانه ازدواج با فرح، حدود يك میلیون تومان پول نقد و همین حدود جواهر به او داده شد و راهی رم شد.

## محمدرضا شاه و ازدواج با فرح پهلوی

شاه در سال ۱۳۳۸ برای به دنیا آوردن ولیعهد این‌بار با فرح ازدواج کرد. با این که سن شاه در این دوره رو به کهنولت می‌رفت، اما در فساد هر روز بدتر از گذشته می‌شد. در همین دوره بود که



۴۲





۴۳

ش





افراط محمدرضا در زن‌بارگی موجب تیرگی روابط شاه و فرح شد. شاه و دربار بدون توجه به موقعیت ملت و مملکت جلافت را به حدی رسانده بودند که با مؤسسات فساد جنسی اروپا رابطه برقرار کردند. یکی از این مؤسسات، مؤسسه مادام کلود، «یکی از موفق‌ترین و معتبرترین شبکه‌های دختران تلفنی پاریس» بود. این مؤسسه بود که دختری به نام «آنژ» را به شاه معرفی کرد. او با هواپیمای به ایران آمد و مورد استقبال یکی از کارمندان وزارت خارجه قرار گرفت و در هتل هیلتون در يك سوئیت ساکن شد. سه روز آداب حضور نزد شاه را به وی آموختند، وقتی شاه آنژ را دید، به قدری از او خوشش آمد که او را در تهران نگه داشتند. اما او از زندگی در تهران خوشش نیامد، بعد از شش ماه هنگامی که قصد بازگشت را نمود به او اخطار کردند که «تو نمی‌توانی از اینجا بروی، اعلی‌حضرت از تو خوشش می‌آید». ولی سرانجام او موفق شد ایران را ترک گوید. مرادده شاه و دربار با این مؤسسه ادامه داشت، این مؤسسه برای شاه و مقامات دربار صدها دختر به تهران می‌آورد، همه اینها عادی می‌نمود و بخشی از سبک زندگی پهلوی‌ها به شمار می‌رفت.

### حاجرای عشقی گیلدا و عصبانیت فرح

ولی ناگهان در ایران يك خبر عشقی از شاه منتشر شد و سپس کاخ شاه را نیز متشنج کرد. در اوائل سال‌های ۱۹۷۰ (۱۳۵۰) در دربار و بازار زمزمه‌هایی رواج یافت حاکی از اینکه شاه عاشق شده است. آن هم نه عاشق يك دختر اروپایی، بلکه يك دختر نوزده ساله ایرانی با موهایی که به رنگ طلا بود. می‌گفتند نامش گیلدا است.



داستان گیلدا پرحادثه‌ترین داستان‌های هزار و یک شب دربار پهلوی بود. شاه بی‌محابا او را به کاخ آورد و رسماً جزء دربار شد. فرح از گستاخی شاه سخت به تنگ آمد و دعوا و درگیری را آغاز کرد.

گیلدا دختر سرلشکر آزاد یکی از افسران نیروی هوایی اصفهان بود، در سفری که شاه به اصفهان رفت سخت شیفته او شد و او را با خود به تهران آورد.

مادر محمدرضا، داستان گیلدا را چنین تشریح می‌کند: در سال ۱۳۵۱ سرلشکر آزاد برای اینکه خودش را به محمدرضا نزدیک کند، از دخترش استفاده کرد، او را هنگام سفر محمدرضا به اصفهان با خود آورد و در هواپیما کنار محمدرضا نشاند و محمدرضا را خام خودش کرد. محمدرضا چنان شیفته او شد که نمی‌توانست در برابر خواهش‌های او نه بگوید، شاه نام او را به خاطر موهای طلایی‌اش، «طلا» گذاشت.

کم‌کم حس رقابت فرح برانگیخته شد و بحث طلاق پیش کشیده شد. ملکه مادر از این که فرح نسبت به این دختر حساسیت نشان می‌داد، تعجب می‌کند و می‌گوید: «فرح خودش را روشن‌فکر می‌دانست. محمدرضا در مجالس با زن‌های این و آن و دخترهای این و آن می‌رقصید و آنها را در آغوش می‌گرفت و می‌بوسید و فرح می‌دانست که محمدرضا علاوه بر او با زنان دیگری هم رفت‌وآمد دارد، اما او نسبت به این دختر فوق‌العاده حساس شده بود.»

ملکه مادر علت حساسیت بیش از حد فرح را این می‌داند که این دختر فوق‌العاده قشنگ بود. خصوصاً این که محمدرضا به زیبایی ذاتی این دختر اکتفا نکرده بود و او را نزد پروفیسور تسه فرانسوی، دکتر خانوادگی دربار در امور زیبایی فرستاده بود و با چند عمل جراحی خیلی دیدنی شده بود.

سرانجام فرح بی‌تاب شد و وقتی در سعدآباد چشمش به طلا افتاد. جلورفت و کشیده محکمی



۴۵





فرح دیبا  
کارتونیست: شهرام شیرزادی



۴۶



به گوش طلا زد.

مادر فرح، فریده دیبا در بزرگواری و گذشت دخترش فرح می نویسد:

«بی تفاوتی فرح نسبت به کامجویی‌های محمدرضا باعث شد که شاه جسارت را از حد بگذراند و دست دختری از افسران نیروهای هوایی را بگیرد و به عنوان معشوقه خود به کاخ بیاورد... محمدرضا در داخل کاخ جایگاهی را به او اختصاص داده بود. فرح با آنکه می‌کوشید نسبت به این مسائل بی تفاوت باشد، اما يك بار کشیده‌ای محکم به گوش این دختر زد.»

## انصراف شاه از طلاق دادن فرح

اختلافات شاه و شهبانو، شاه را به این نتیجه رساند که فرح را طلاق بدهد. ملکه مادر با او وارد بحث شد، ولی شاه اعلام کرد: «چه عیب دارد؟ او را طلاق می‌گویم. طلاق در میان مردم ایران يك امر مقبول است و خیلی مردها زنشان را طلاق می‌گویند»؛ اما ملکه مادر طلاق را به صلاح ندانست و با پادرمیانی وی شاه و ملکه توافق کردند که به خاطر مصالح مملکت از هم طلاق نگیرند؛ ولی من بعد با هم کاری نداشته باشند و فقط دوست باشند و سپس، محمدرضا با این تصمیم آزادی خودش را به دست آورد و فرح هم کار خودش را می‌کرد.

فرح دیبا همسر محمدرضاشاه معدوم یکی از افرادی بود که با آنکه خبرهای بسیاری درباره فساد اخلاقی او منتشر می‌شد، اما کسی از اصل ماجرا مطلع نبود.

معروف‌ترین رابطه و فساد جنسی فرح دیبا در زمان حیات محمدرضاشاه، رابطه او با فریدون جوادی بود. فرح از افشای این ماجرا واهمه‌ای نداشت، زیرا می‌گفت: ...خود محمدرضا مرا آزاد گذاشته، من آزاد هستم و اختیار پایین تنه‌ام را دارم!



۴۷



«اختیار پایین‌تنه» گویا از اعتقادات راسخ فرح دیبا بوده است. یک بار دیگر که فرح به خاطر ارتباط با فریدون جوادی در یکی از اتاق‌های بیمارستان قاهره مورد اعتراض «احمدعلی انصاری» از نزدیکان خود قرار گرفت، همین پاسخ را داد که «همه اختیار پایین‌تنه خودشان را دارند.» بعد از مرگ محمدرضا شاه معدوم نیز این ملکه فاسد، بیکار نشست و در مهمانی‌های خاص خود دست به انتخاب مرد دلخواه می‌زد، تا جایی که چند سال پیش پسرش به طور مشکوکی خودکشی کرد. برخی گفتند علیرضا پهلوی در پی اعتراض به اینگونه روابط مادرش خودکشی کرده بود.

البته فسادهای اخلاقی فرح دیبا به همین جا ختم نمی‌شود و تاریخ خاطرات زیادی از فسادهای او در فرانسه و ایران روایت و نقل می‌کند.



### شاه تا آخرین لحظات عمرش دست از هوسرانی برنداشت

شاه در این اواخر چنان در هرزگی فرو رفته بود که حتی اگر چشمش به عکس زیبارویی می‌افتاد، عنان از دست می‌داد. کارت تهریکی را شاهزاده موناکو همراه با عکس دخترش برای شاه فرستاد، شاه تا چشمش به عکس افتاد گفت: «عجب دختر خوشگلی دارند، ای کاش می‌توانستیم دعوتش کنیم بیاید تهران.»

شاه حتی تا آخرین لحظات عمرش دست از هرزگی برنداشت. به گزارش احمدعلی انصاری دوست وفادار و همراه شاه «تا زمانی که حالش به وخامت گرایید هنوز همان روحیه زن‌بازی را حفظ کرده بود.»



۴۹



محمد رضا پهلوی  
کارتونیست: شهرام شیرزادی

## مفاسد اخلاقی و خانواده محمدرضا

مسئله مهمی که بر فساد جنسی شاه دامن می‌زد، فساد اخلاقی خواهرانش اشرف و شمس بود. اشرف و شمس که از نقطه ضعف شاه آگاه بودند، دختران زیبا را به او معرفی می‌کردند و دختران جوان را به دام می‌انداختند و برای محمدرضا به کاخ می‌آوردند. محمدرضا در هنگام زندگی با فوزیه، با یکی از خواهران خود به نام اشرف هم رابطه غیراخلاقی داشت و به همین دلیل امتیازات مختلفی در زمینه تجارت به خواهر هوس‌بازش می‌داد. (۷) از دیگر اعضای «خاندان هرزه پهلوی» که سوابقی در مفاسد اخلاقی دارد، مادر شاه مخلوع ایران بود که به عنوان کسی که با نگهبانان کاخ سر و سری داشت، شناخته شده بود. (۸)



۵۰



## اعترافات تکان دهنده خواهر شاه

اشرف (خواهر محمدرضا شاه) با حضور در آلمان و حضور در کلینیک روان‌شناسی پروفیسور ژولیوس سوالاتی را پاسخ گفته است که شرح برخی از آنها بر اساس اسناد و مدارک به جامانده (پرونده پزشکی وی) به شرح زیر است:

این معالجه ۱۴ روز به طول انجامید که در آن دوران‌شناس او را ۲۲ ساعت روان‌کاوی کردند. روان‌کاو: آیا تا کنون شاهد قتل بوده‌اید؟

اشرف: بله

روان‌کاو: خودتان از نزدیک؟

اشرف: بله

روان‌کاو: آیا در قتل شرکت داشته‌اید؟

اشرف: بله

روان‌کاو: بیشتر توضیح بدهید؟

اشرف: یک‌بار سربازان گارد یک مرد روستایی را که به طرف پدرم می‌آمد و به اخطار کسی توجه نداشت با گلوله کشتند، من جنازه او را از نزدیک دیدم.

بار دوم در زمان نزدیکی‌های جنگ بود که پدرم در محوطه قصر زمستانی پس از بحث و گفتگوی تند با یکی از محافظان، او را با شلیک دو تیر کشت. یک‌بار هم خودم یک افسر جوان را به قتل رساندم.

روان‌کاو: چرا او را کشتید؟

اشرف: برای اینکه به امر من توجه نکرده بود.

روان‌کاو: از او چه خواستید؟

اشرف: (سکوت...)

روان‌کاو: خواهش می‌کنم به یاد بیاورید؟

اشرف: او افسر جوان و زیبایی بود. به من هم بسیار علاقه داشت، از او خواستم که به اتاق خوابم بیاید. آمد، از او خواستم که با من... کند، اما فرمان مرا انجام نداد، مرا عصبی و از خود بیخود کرد.

روان‌کاو: چرا دستور شما را اطاعت نکرد؟

اشرف: می‌ترسید. می‌گفت که همسر دارم!

بعد اصرار کردم و حتی خواهش کردم. او از ترس می‌لرزید و امر مرا انجام نمی‌داد. عصبی و از خود بی‌خود شدم اسلحه کمری او را گرفتم و از فرط خشم تیری در سینه او خالی کردم. او در زیر پای من افتاد و وقتی نگهبان‌ها و محافظان دیگر آمدند او مرده بود.

روان‌کاو: آیا کسی شما را مؤاخذه نکرد، آیا محاکمه نشدید؟



۵۱





اشرف پهلوی  
کارتونیست: پیام وفا تبار



اشرف: نه

روان کاو: حتی بازجویی نشدید؟

اشرف: نه... (سکوت...)

برای اینکه احتیاجی نبود. او در اتاق من که یک شاهزاده بودم و خواهر شاهنشاه بودم حضور یافته بود. این حضور می توانست موجب مرگش شود.

روان کاو: آیا شما از این حادثه متأثر و ناراحت هم شدید؟

اشرف: بله ناراحت شدم. ولی خیلی زود فراموش کردم.

روان کاو: من دکتر ژان هستم، شما مرا نمی شناسید؟

اشرف: نه

روان کاو: آیا در خانواده شما از اینکه زنی به شوهرش خیانت کند کاری عادی بود؟

اشرف: کار مهمی نبود.

روان کاو: آیا مادر خودتان هم معشوق داشت؟

اشرف: بعد از مرگ پدرم بله، ولی این موضوع را کسی نمی دانست جز خود من...

یکی از خواهران من هم معشوق داشت.

روان کاو: آیا اعضای دربار با هم رابطه جنسی داشتند؟

اشرف: بله!

روان کاو: با محارم؟

اشرف: نه نه، من از این کار خوشم می آید، یعنی لزومی نبود که تن به چنین کاری بدهیم. (۹)



۵۳



پی نوشت:

منابع:

- (۱) سقوط، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۳۰۶ تا ۳۱۹
- (۲) ر.ك: مفاسد اخلاقی شاه و خاندانش، جمعی از نویسندگان، تهران، جهان کتاب، ۱۳۷۹.
- (۳) مجموعه مقالات، سقوط، پیشین، ص ۶۹۷.
- (۴) سقوط، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۳۰۶ تا ۳۱۹
- (۵) مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- (۶) پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران
- (۷ و ۸) سقوط، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۳۰۶ تا ۳۱۹
- (۹) منبع: نوشته آلبرتو بلیچی، ترجمه دکتر م. الهام، مندرج در هفته نامه جوان، شماره ۲۱، مورخه ۱۳۵۸/۲/۲۱



## دیکتاتوری و خودبرترینی



۵۵



محمدرضا در خانواده‌ای دیکتاتورمحور پرورش می‌یابد؛ این مسئله، عامل مهمی در شکل‌گیری شخصیت او بود. در چنین فضائی یک نفر حاکم بر اعمال و رفتار دیگران است، فقط دیکتاتور تصمیم می‌گیرد، هدف تعیین می‌کند، وظیفه افراد را مشخص و همه باید بدون چون و چرا مطابق دلخواه میل او رفتار کنند. او می‌تواند از دیگران انتقاد کند، اما خود نقدپذیر و پاسخگو نیست، شخصیت، تمایلات و احتیاجات مجموعه به‌هیچ‌وجه مورد توجه نیست. در این محیط همواره ترس و وحشت بر افراد غلبه دارد. از محبت و احساس امنیت خبری نیست. بزرگ شدن محمدرضا در چنین محیطی با الگوی تربیتی رضاخان باعث شد که او نیز یک دیکتاتور شود؛ نسبت به زیردست، خشن و بی‌رحم باشد و به بالادست کاملاً تمکین نماید. چنانچه نسبت به انگلیس و آمریکا در تمام سلطنتش چنین بود.

شاه در مصاحبه با یکی از شبکه‌های تلویزیون انگلیس با صراحت تمام می‌گوید: «مردم ایران همان احترامی را برای شاه خود قائل هستند که کودکان خانواده‌های ایرانی برای پدر خودشان» (۱) شاه در مورد تصمیم به واگذاری بحرین، در پاسخ عَلم گفت: «من آزادم چنین تصمیماتی را بگیرم.» علم در توضیح این جمله شاه اعتراف می‌کند که «پاسخ شاه به این گفته، چنانچه ویژگی اوست، متفرعانه بود.» (۲)



شاه در اوایل سال ۱۹۷۴م (۱۳۵۳ ه. ش) به خبرنگار نیویورک تایمز چنین گفت: «در ایران آنچه به حساب می‌آید کلمه سحرآمیز است و کلمه سحرآمیز عبارتست از پادشاه.» (۳)

شعار اصلی رژیم برکوه‌ها، سر در پادگان‌ها و ادارات، شعار «خدا- شاه- میهن» بود. شاه تلاش می‌کرد تا جایگاه شاه را در ردیف خدا و کشور قرار دهد و این شعار را به صورت آیین و کیش مردم درآورد.

او در اواخر عمر تلاش می‌کرد تا با تبلیغات گسترده‌ای ضرورت عشق به شاه را فراگیر کند. یکی از تصاویر، او را در حالی نشان می‌داد که گویی خداوندگار در مقابل بندگان خود مشغول اظهار تفقد است.

ساواک تلاش می‌کرد تا شاه را به صورت یک موجود فوق بشر جلوه دهد تا جایی که در یکی از پوسته‌های مربوط به شعار خدا - شاه - میهن، عمداً لغت شاه را بزرگ‌تر و بالاتر از خدا نوشته بودند. (۴)

فرمانده نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی از شاه درخواست کرد تا برای یکنواختی اجازه دهد رنگ هواپیمای آموزشی ولیعهد را به رنگ سایر هواپیماهای نیروی هوایی دریاورند. شاه از این پیشنهاد برآشفته و دستور داد که برعکس کلیه هواپیماهای دیگر باید به رنگ هواپیمای والا حضرت درآیند» چون ولیعهد این گونه پسندیده بود. (۵)

بانک مرکزی به نخست‌وزیر، هویدا، پیشنهاد کرد تا به جای «ریال» و «تومان» که نام پول رایج ایران بودند، «پهلوی» و یا «شاهی و شاهین» را جایگزین کنند. (۶)

عفو زندانیان محدود به ایام تولد شاهزادگان بود. وقتی خبر بارداری ملکه اعلام می‌شد، روزنامه‌ها پیش‌بینی می‌کردند، به مناسبت تولد شاهزاده، تعدادی از زندانیان مورد عفو قرار خواهند گرفت. به عنوان نمونه به مناسبت تولد علیرضا، سومین شاهپور «شصت نفر از

زندانیان مورد عفو شاه قرار گرفتند.» (۷)

ارتشبد فریدون جم، رئیس ستاد ارتش، در یک اقدام چاپلوسانه خطاب به شاه گفت: «من نه تنها شاهنشاه را فرمانده خود می‌دانم، بلکه به او عنوان برادر خود نیز عشق می‌ورزم» کلمه برادر برای شاه ناگوار آمد و علم وزیر دربار در ملاقات بعدی به وی تذکر داد که «شاه از بی‌مبالایی او و این که شاه را برادر خود دانسته، شدیداً ناخشنود است.» او پس از این جمله مجبور به استعفا شد و به عنوان سفیر ایران به اسپانیا تبعید شد. (۸)

در یکی از گزارش‌های سفارت آمریکا چنین آمده بود:

«عکس شاه همه جا هست، پیش از شروع فیلم در همه‌ی سینماها تصویر او در حالت‌های شاهانه گوناگون همراه قطعاتی از سرود ملی نمایش داده می‌شود. سال‌روز تولد شاه، ملکه و ولیعهد با آتش‌بازی و ورژ و تظاهرات جشن گرفته می‌شود... همه رسانه‌های گروهی مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا این اندیشه را تبلیغ کنند که وفاداری به سلطنت و میهن‌پرستی ملی لازم و ملزوم‌اند.» (۹)

بیشتر کارخانجات، سدها، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس، پارک‌ها، آموزشگاه‌ها و... به نام یکی از خاندان سلطنت نام‌گذاری شده بود فهرست زیر، هر چند گزیده‌ای بیش نیست، ولی به خوبی گویای این مطلب هست:

بندر پهلوی، بندر فرحناز، بندر شاه، بندر شاپور، نفت شاه، شهرشاهی، شهر شاه‌پسند، شهرک فرحناز پهلوی در تهران؛

سد فرحناز در تهران، سد شهناز پهلوی در همدان، سد رضاشاه پهلوی در خوزستان، سد شهربانو فرح در رشت، سد محمدرضاشاه پهلوی؛

دانشگاه صنعتی آریا مهر تهران، دانشگاه پهلوی شیراز، دانشگاه فرح (مدرسه عالی دختران



۵۷





تهران)، آموزشگاه حرفه‌ای فرح پهلوی، آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی، آموزشگاه حرفه‌ای رضا پهلوی اصفهان، آموزشگاه بهیاری ۲۵ شهرپور زاهدان (به مناسبت بیست و پنجمین سال سلطنت پهلوی)، آموزشگاه عالی پرستاری رضاشاه کبیر؛

بیمارستان لیلا پهلوی، بیمارستان فرح پهلوی مشهد، بیمارستان ثریا (بیمارستان شیر و خورشید)، بیمارستان آریامهر بندر لنگه، درمانگاه کودکان شمس پهلوی، مرکز پزشکی پهلوی، بیمارستان ۲۴ اسفند (تولد رضاشاه)، بیمارستان شهناز پهلوی مشهد، بیمارستان پهلوی نهاوند، بیمارستان یک صد تخت خوابی رضا پهلوی رضاییه، زایشگاه فرح، بیمارستان بنیاد شمس پهلوی، بیمارستان پهلوی تهران، درمانگاه نوبنیاد رضا پهلوی شیراز، بیمارستان ششم بهمن مشهد (به مناسبت سالگرد فرماندم لوایح شش‌گانه) بیمارستان ۲۵ شهرپور تهران، بیمارستان پهلوی وابسته به سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی؛

میدان شهید پهلوی، میدان ۲۴ اسفند کوی فرح پهلوی شیراز، کوی فرح پهلوی زاهدان، میدان پهلوی، خیابان پهلوی، کوی نوبنیاد ۹ آبان (تولد شاه)، میدان ۲۵ شهرپور، کوی رضا پهلوی محلات، خیابان محمدرضاشاه پهلوی، خیابان غلامرضا پهلوی؛

ورزشگاه فرح پهلوی اصفهان، استخر پهلوی اصفهان، ورزشگاه سرپوشیده محمدرضاشاه پهلوی، ورزشگاه بزرگ یک صد هزار نفری آریا مهر، ورزشگاه سرپوشیده والا حضرت شاهپور علیرضا پهلوی گنبد، مرکز ورزشی و فرهنگی ۲۵ شهرپور تهران، استادیوم فرح پهلوی تهران، کلوپ دختران شهناز پهلوی، کلوپ رضا پهلوی، سالن سرپوشیده تربیت بدنی محمدرضاشاه پهلوی آبادان، استادیوم ورزشی شهناز پهلوی؛

پهلوی‌ها حتی سعی داشتند نام خود را روی کشتی‌های تجاری و ناوهای جنگی هم بگذارند؛ مثل کشتی آریا مهر، کشتی آریاناز، کشتی آریاکیش و ناو شاهرخ.

پهلوی‌ها حتی از جام‌های ورزشی نیز نمی‌گذشتند و به نام خود نام‌گذاری می‌کردند؛ مانند جام شنای ولیعهد، جام آریا مهر، جام فرح و... (۱۰)

شاه در این اواخر جایزه‌ای بین‌المللی به نام «جایزه پهلوی» که ارزش آن پنج هزار دلار بود درست کرد و به طرفداران خود در جهان خیر و بخش می‌کرد. (۱۱)

طبق گزارشی تا سال ۱۳۵۷ بیش از هشتصد مجسمه از رضاشاه و محمدرضاشاه در سرتاسر ایران نصب شد. (۱۲) شاه کارخانه ذوب آهن اصفهان را که صنعتی ملی بود، به نام «کارخانه ذوب آهن آریامهر» نام‌گذاری کرد.

مردم موظف بودند در ایام متعلق به این خانواده جشن بگیرند و خیابان‌ها را آذین‌بندی کنند مدارس مجبور بودند با راه‌اندازی کارناوال‌ها شادی خود را به لودگی و سیاه‌بازی آلوده کنند.

جدول روزهای تعطیل یا جشن و چراغانی نشانگر تفرعن این خانواده می‌باشد:

۲۱ فروردین روز دعا (به مناسبت جان به در بردن شاه از ترور سال ۱۳۴۴)

۲۸ مرداد روز جشن ملی (به مناسبت پیروزی شاه در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)

۲۵ شهریور روز جشن ملی (به مناسبت به سلطنت رسیدن محمدرضاشاه)

۶ مهر روز جشن ملی (سال‌روز سروش آریامهر!)

۲۱ مهر روز جشن و شادی (به مناسبت تولد فرح)

۴ آبان روز جشن و آذین‌بندی (به مناسبت تولد شاه)

۹ آبان روز جشن و پایکوبی (به مناسبت تولد ولیعهد)

۶ بهمن روز جشن (به مناسبت انقلاب شاه و ملت)

۵ بهمن روز نیایش (به مناسبت رفع خطر از شاه در سال ۱۳۲۷)

۲۴ اسفند روز پدر (به مناسبت تولد رضاشاه) (۱۳)



۵۹



پی‌نوشت:

۱. گاهنامه‌ی پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ج ۳، کتابخانه‌ی پهلوی، ص ۲۸۵۵
۲. اسدالله علم، گفت و گوهای من با شاه، خاطرات محرمانه‌ی امیراسدالله علم، ج ۲، طرح نو، تهران ۱۳۷۱، ص ۵۷۰.
۳. ماروین زونیس، شکست شاهانه، ترجمه‌ی اسماعیل زند و بتول سعیدی، ص ۱۲۵
۴. مینو صمیمی، پشت پرده‌ی تخت طاووس، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، اطلاعات، تهران ۱۳۷۰، ص ۵۱
۵. اسدالله علم، پیشین، ص ۶۸۲
۶. پهلوی‌ها، (خاندان پهلوی به روایت اسناد) ج ۳، به کوشش فرهاد رستمی، موسسه مطالعات تاریخ معاصر، تهران ۱۳۸۱، ص ۱۷
۷. گاهنامه‌ی پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ج ۲، ص ۱۹۵۱
۸. پرویز راجی، خدمتگزار تخت طاووس، ترجمه‌ی ج. ۱. مهران، اطلاعات، تهران ۱۳۶۴، صص ۱۱۰-۱۱۱
۹. مایکل لدین، ویلیام لوئیس، کارتر و سقوط شاه، ترجمه‌ی ناصر ایرانی، تهران ۱۳۶۳، ص ۲۴
۱۰. این فهرست فقط بخشی از نام گذاری‌های دوره‌ی پهلوی است که به عنوان نمونه از یک دوره‌ی پنج ساله ۱۳۵۰-۱۳۵۵ از یکی از اخبار روزنامه‌ها به دست آمده است و نگارنده فقط به عنوان نمونه و نه یک استقرای کامل، ارایه داده است.
۱۱. گاهنامه‌ی پنجاه سال شاهنشاهی، ج ۳، ص ۲۰۹۹
۱۲. خسرو معتضد، ناکامان کاخ سعدآباد، ج ۱، زرین، تهران ۱۳۷۵، ص ۱۰۸
۱۳. این فهرست بر اساس مطالعه‌ی یک دوره‌ی یک ساله‌ی روزنامه استخراج شده است.



۶۰





## خوی اشراف زادی



۶۱



یکی از ویژگی‌های اشرافیت، بوروکراسی طبقاتی است؛ اشراف زادگان نه به دلیل تحصیلات و نه به دلیل لیاقت و مدیریت، بلکه به دلیل وراثت و پیوند خونی، صاحب پست و مقام می‌شوند. جدول زیر نمونه‌ای از مشاغل خانوادگی سلطنتی است.

۱- فرح؛ ریاست عالیہ پیشاهنگی دختران، ریاست جمعیت ملی مبارزه با سرطان؛ ریاست عالیہ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ریاست عالیہ انجمن فیلامونیک، ریاست عالیہ بنیاد نیکوکاری فرح.

۲- اشرف؛ ریاست عالیہ جمعیت‌های زنان، ریاست عالیہ سازمان زنان، ریاست نمایندگی ایران در کمیسیون حقوق بشر، ریاست مجمع حقوق بشر سازمان ملل، ریاست کمیته پیکار جهانی با بی‌سوادی، ریاست نمایندگی ایران در انجمن شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، ریاست عالیہ هیأت امنای دانشگاه جندی‌شاپور، ریاست بنیاد اشرف پهلوی.

۳- شمس؛ ریاست عالیہ جمعیت شیر و خورشید، ریاست بنیاد شمس پهلوی.



- ۴- شهناز؛ ریاست سازمان سلطنتی تشویق و معاونت دانشجویی، استاندار افتخاری خوزستان.
- ۵- ولیعهد؛ ریاست بنیاد فرهنگی رضا پهلوی، ریاست انجمن ملی خانه‌های فرهنگ، ریاست هیأت امنای آموزشگاه شبانه‌روزی، ریاست سازمان پیشاهنگی ایران.
- ۶- غلامرضا؛ ریاست بازرسی ارتش شاهنشاهی، ریاست کمیته ملی المپیک ایران، ریاست عالی‌ه شورای عالی ورزش نیروهای مسلح شاهنشاهی، نایب رئیس مرکز آموزش فنون هواپیمایی کشوری، ریاست شورای عالی ورزش و تفریحات سالم کارگران ایران.
- ۷- عبدالرضا؛ ریاست انجمن ملی حفظ و حمایت منابع طبیعی، ریاست مرکز مدیریت ایران.
- ۸- مهرداد پهلبد (شوهر شمس)؛ وزیر مدام العمر فرهنگ و هنر.
- ۹- فریده دیبا (مادر فرح)؛ رئیس هیأت امنای انجمن ملی اولیا و مربیان، عضو شورای عالی جشن هنر شیراز.
- شاه در ابتدای سلطنت، گاه با یک اتومبیل بدون محافظ رفت‌وآمد می‌کرد، اما در این اواخر کاملاً از مردم برید و با هلی‌کوپتر آمدو شد می‌کرد؛ حتی تا حصارک منزل دامادش با هواپیمای چهار نفره جت می‌رفت. (۱)
- شاه در پاسخ اولیویه وارن گزارشگر رادیو فرانسه که از وی پرسید: «آیا بیم آن نیست که تماس با ملت را تا اندازه‌ای از دست بدهید؟» گفت: مردم «حالا می‌توانند به همان خوبی روزی چند بار مرا روی صفحه تلویزیون ببینند.» (۲)

پی نوشت:

۱. اردشیر زاهدی، رازهای ناگفته (خاطرات اردشیر زاهدی)، با مقدمه و ویرایش محمود طلوعی، نشر علم، تهران ۱۳۸۱، ۱۲۸ و ۱۲۷
۲. اولیویه واردن، شیر و خورشید، پیشین، ص ۱۸۶



۶۳



شمس پهلوی  
کارتونیست: پیام وفا تبار

## تحقیر مردم

بها ندادن به شخصیت و کرامت والای انسان، ترویج فرهنگ غربی و آزادی‌های غریزی و حیوانی در جامعه و مبارزه با آزادی‌های انسانی، سیاسی، آزادی بیان و قلم در جهت رشد جامعه، توهین به اعتقادات مذهبی مردم و مخالفت با دین و شعائر مذهبی مثل حجاب، روحانیت، عزاداری و... از دیگر ویژگی‌ها و عملکرد سوء رژیم پهلوی است. (۱)

شاه در یک کنفرانس مطبوعاتی در سال ۱۳۵۳ مردم ایران را «تنبل» خواند. پس از انتشار مصاحبه از این که به صراحت از مردم ایران انتقاد کرده است، احساس شجاعت می‌کرد. او در بیان علت این همه شجاعت، به علم - وزیر دربار - گفت: «آدمی که متکی به آرای مردم نباشد، آزاد است.» (۲)

شاه در مورد مردم ایران می‌گفت: «این مردم قادر به انجام هیچ چیز نیستند، مثل گوسفندان می‌مانند.» (۳)

شاه معتقد بود که اگر آثار تمدن در ایران دیده می‌شود از برکت خاندان پهلوی است. او می‌گفت: «مردم ایران از معدود ملل عقب افتاده جهان بودند که حتی عادت به شست‌وشوی



دست و صورت خود را نداشتند و این پدرش رضاخان بود که مردم را به شستن دست و صورت و نظافت شخصی عادت داد.» (۴)

به روایت ملکه مادر، رضاشاه، مردم ایران را «مردمی که عادت به شستن دست و صورت نداشتند و آب دماغ خود را به آستین پیراهن می کشیدند و پاک می کردند.» (۵) توصیف می کرد. ملکه مادر، مردم ایران را مردمی «حسود» (۶) و «مذبذب» می دانست که حتی حکومت کردن بر آنان افتخار نداشت. (۷)

به روایت علی شهبازی، سر تیم محافظ شاه، فرح مردم جنوب تهران را «کمتر از حیوان می دانست.» (۸)

شاه چنان نسبت به مردم ایران بی اعتنا بود که هیچ یک از دختران ایران را در ابتدای جوانی لایق ازدواج نمی دانست او ابتدا با شاهزاده فوزیه مصری ازدواج کرد و سپس تصمیم گرفت با «گابریلا» دختر پادشاه برکنار شده ایتالیا ازدواج کند. در دربار نیز تمام فشار بر این بود که «اعلی حضرت زن خارجی بگیرند»، اما موضوع با مخالفت آیت الله بروجردی خاتمه یافت. (۹) شاه حتی در بیماری های پیش پا افتاده مانند دندان درد از پزشکان ایرانی استفاده نمی کرد و برایش از سوییس دندان پزشک مخصوص می آوردند. (۱۰)

شاه چنان به مردم ایران بی اعتنا بود که از مصاحبه با خبرنگاران داخلی اجتناب می کرد. شاه علت سقوط خود را عقب افتادگی مردم ایران و «بزرگترین اشتباه» خود را سعی در پیش بردن «به زور به سوی استقلال و سلامت و فرهنگ و سطح زندگی و آسایش» ارزیابی کرده است. (۱۱)

فریده دیبا، مادر فرح دیبا، در مورد خصوصیات دامادش می گوید: «محمدرضا، به دلیل تربیت غربی اش، مردم را کوچک و ذلیل و زیون می انگاشت و جان کلام این که افراد مقابل خود را فاقد



۶۵





شخصیت می‌خواست! اگر کسی در برابر او خودی نشان می‌داد، درجا کنار گذاشته می‌شد. او مایل بود هرکاری در مملکت انجام می‌شود، به حساب او گذاشته شود و دوست داشت همه نوکر و کارگزار او باشند... در ارتش نیز همین سیاست را دنبال می‌کرد. امرا و فرماندهان ارتش، مشتی افراد پیروپاتال و به‌راستی بی‌عرضه بودند. محمدرضا به‌ویژه در ارتش سعی می‌کرد افراد بی‌عرضه و نوکرصفت و بله‌قربان‌گو و حقیر را مصدر امور کند. من در مراسم رسمی یا میهمانی‌ها می‌دیدم که چطور افسران عالی‌رتبه ارتش، حتی کفش محمدرضا را می‌بوسیدند... این افسران، فاقد هر نوع شخصیت بودند.» (۱۲)

شاه وزیران خود را «الاغ‌هایی» می‌نامید که به «دردی» نمی‌خورند. (۱۳) او برای هر یک از زیردستان خود نامی تحقیرآمیز گذاشته بود و در دربار آنها را با این نام‌ها صدا می‌زد. شاه، عقل منفصل خود و دوست دوران کودکی و نوکر وفادار خود یعنی ژنرال حسین فردوست را «خردوست» صدا می‌کرد و نوکری مانند ارتشبد نعمت‌الله نصیری را که به خاطر شاه دست به هر جنایتی می‌زد، «نعمت خرگردن» صدا می‌زد. (۱۴) ملکه مادر علت انتخاب این نام را برای نصیری داشتن «گردن کلفتی مثل خر» می‌دانست. (۱۵) ارتشبد عباس قهرباغی، رئیس ستاد مشترک ارتش شاهنشاهی ایران، با آن همه عظمت و یال کوبال، در دربار «عباس پشکل» خوانده می‌شد. (۱۶)

شاه از محمود حاجی رئیس فدراسیون تنیس روی میز و همنشین ثابت شاه در قمار می‌خواست که صدای خر در بیاورد. حاجی با استادی تمام عرعر می‌کرد و حاضرین از خنده روده بر می‌شدند. (۱۷)

قلی ناصری، دلچک معروف دربار که به کریم شیرهای اعلی‌حضرت معروف بود با ادای هویدا وی را سخت تحقیر می‌کرد. به گزارش فریده دیبا، در یک مهمانی که در کاخ شمس برگزار شده

بود، قلی ناصری با تقلید صدا و حرکات هویدا سنگ تمام گذاشت و به‌خصوص حرف‌هایی را زد و اداهای زنانه‌ای را درآورد که مخنث بودن هویدا را نشان می‌داد. شاه و میهمانان فوق‌العاده شاد شدند و خیلی زیاد خندیدند... هویدا رنگش سفید شده بود و بیچاره مثل کسی که برق او را گرفته باشد خشک و بی‌حرکت در جایش میخکوب شده بود. (۱۸)

پی نوشت:

۱. ر.ک: محمد باقر حشمت زاده، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، ص ۳۴۳.
۲. اسدالله علم، پیشین، ج ۲، ص ۶۰۹
۳. فریده دیبا، دخترم فرح، ترجمه‌ی الهه رئیس فیروز، انتشارات به آفرین، تهران، ص ۳۳۸
۴. همان، ص ۳۹۲
۵. تاج الملوک، آیرملو پهلوی، خاطرات ملکه‌ی پهلوی، انتشارات به آفرین، تهران ۱۳۸۰، ص ۳۳۲
۶. همان، ص ۳۵۲
۷. همان، ص ۳۵۴
۸. علی شهبازی، محافظ شاه (خاطرات علی شهبازی)، پیشین، ص ۲۳۴
۹. اردشیر زاهدی، پیشین، صص ۱۲۴-۱۲۵
۱۰. اسدالله علم، پیشین، ص ۱۰۸
۱۱. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ: ترجمه حسین ابوترابیان، مترجم، تهران ۱۳۷۱، ص ۳۹۱
۱۲. ر.ک: اصغر حیدری، جنب ذاتی پهلویها، نشریه زمانه، ۱۳۸۴/۱۱/۱۷.
۱۳. همان، ص ۶۵۷
۱۴. فریده دیبا، ص ۲۷۲
۱۵. تاج الملوک، پیشین، ص ۳۸۷
۱۶. همان، ص ۳۸۴
۱۷. احمد علی انصاری، پس از سقوط، ص ۵۵
۱۸. فریده دیبا، پیشین، صص ۱۱۶-۱۱۷



۶۷



## چاپلوسی و تملق

نماد دیگر خوی استکباری و تفرعن شاه، تشکیل حلقه‌ای از چاپلوسان حرفه‌ای به دور اعلی‌حضرت، علیاحضرت و والاحضرت‌ها بود. در رژیم پهلوی درباریان هیچ انتقادی را برنمی‌تابیدند، از مدیحه‌سرایی و تملق لذت می‌بردند.

فریده دیبا در خاطرات خود می‌نویسد: «محمدرضا خیلی لذت می‌برد که گروهی از فرماندهان عالی‌رتبه ارتش با آن لباس‌های پر زرق و برق جلوی او صف می‌کشیدند و به ترتیب دست او را می‌بوسیدند.» گاهی «در مراسم رسمی یا میهمانی‌ها... افسران عالی‌رتبه ارتش دست و پا حتی کفش محمدرضا را می‌بوسیدند» (۱) شاه چنان به دست‌بوسی معتاد شده بود که خودش «دستش را دراز می‌کرد» که اطرافیان ببوسند. (۲)

پابوسی شاه بعد از جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در دربار به اوج رسیده بود عبدالعظیم ولیان - استاندار خراسان و نایب‌التولیه - هرگاه به حضور شاه می‌رسید، روی زمین می‌افتاد و پای شاه را می‌بوسید. (۳)

اردشیر زاهدی بعد از انتصاب به وزارت امور خارجه، همه معاونین و سفرا را مجبور کرد تا هنگام «شرف‌یابی» در مقابل شاه زانو بزنند. زانو زدن وزیر و به خاک افتادن وی در برابر شاه موجب اعتراض یک خبرنگار فرانسوی به علّم شد. علّم اعتراض خبرنگار را به اطلاع شاه رساند و شاه پاسخ داد: «حق بود به او می‌گفتی که اردشیر رعایت سنت‌های ملی مملکت را می‌کند.» (۴)

سفرا موظف بودند در گزارش‌هایشان به شاه بنویسند «پای مبارک را می‌بوسم.»

پرویز راجی از این که امیر خسرو افشار، آخرین وزیر امور خارجه ایران در دوران شاه، به جای کلمه





«پای مبارک را می‌بوسم»، نوشته بود «دست مبارک را می‌بوسم»، اظهار شگفتی کرده است. (۵) هرگز قریب یکی از مدیرکل‌های وزارت دربار در نامه‌هایش نوشت: «مراتب پرستش چاکرانه مرا به خاک پای مبارک بندگان اعلی‌حضرت همایون شاهنشاهی تقدیم [می‌کنم] پای مبارک علیاحضرت ملکه و والاحضرت شاهدخت شهناز را با کمال احترام می‌بوسم.» (۶) علم‌وزیر دربار به یکی از این جلسات اشاره می‌کند و می‌نویسد: «ناهار را دسته‌جمعی در حضور شاه خوردیم و هر یک سعی کردیم گوی چاپلوسی و تملق‌گویی به او را از دیگری برباییم.» (۷) هویدا به عنوان شخصیت دوم کشور گاه خم می‌شد و دست بچه‌های شاه را می‌بوسید. او دست علیرضا فرزند شاه را که بیش از ۴ سال نداشت می‌بوسید. (۸) مارگارت لاینگ، روزنامه‌نگار انگلیسی که برای نوشتن زندگینامه شاه اجازه ملاقات و حضور در دربار را پیدا کرده بود در بخشی از خاطرات خود می‌نویسد: «ناگهان یک اتاق پر از اشخاص مختلف به تعظیم افتادند؛ به‌طوری که نصف بدن آنها به موازات کف اتاق درآمد.» (۹) پی‌نوشت:

۱. همان، پیشین، ص ۳۱۱
۲. اسدالله علم، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۹؛ پرویز راجی، پیشین، ص ۲۱
۳. تصویر پیوست شماره ۱
۴. اسدالله علم، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۲
۵. پرویز راجی، پیشین، ص ۳۵۱
۶. پهلوی‌ها (خاندان پهلوی) به روایت اسناد، ج ۳، به کوشش فرهاد رستمی، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۲، تهران، ص ۴۶۵
۷. اسدالله علم، پیشین، ص ۲۱۴
۸. تاج الملوک، ملکه‌ی پهلوی، پیشین، ص ۴۵
۹. مارگارت لاینگ، مصاحبه با شاه، ترجمه‌ی اردشیر روشنگر، نشر البرز، تهران ۱۳۷۱، ص ۲۴۹





۷۰



## قاچاق سازمان یافته مواد مخدر

از جمله فسادهای چشمگیر رژیم پهلوی قاچاق مواد مخدر در سراسر جهان بوده است به طوری که سران این رژیم از چهره‌های درجه یک مافیای بین‌المللی مواد مخدر در جهان شناخته می‌شدند.

این در حالی بود که هر از چندگاهی دستگاه‌های تبلیغاتی پهلوی با تبلیغات گسترده و کنفرانس‌های فراوان علیه قاچاق مواد مخدر و دستگیری عده‌ای قاچاقچی خرده‌پا، ژست مبارزه با مواد مخدر را به خود می‌گرفتند اما در عمل خود از بزرگان قاچاق مواد مخدر بودند.

**ساواک: فرانسه و الاحضرت اشرف را به خاطر قاچاق مواد مخدر  
ممنوع‌الورود کرده است!**

در اسفند ۱۳۳۷ در سندی از ساواک در خصوص بازتاب قاچاق مواد مخدر در نشریات خارجی

چنین آمده است:

«در محافل مطلع مطبوعاتی تهران شایع است که شماره‌های اخیر مجله تایم که به ایران ارسال شده تماماً از طرف سازمان اطلاعات و امنیت کشور سانسور و دو صفحه وسط آن بریده شده است. گفته می‌شود مندرجات این دو صفحه که توسط يك مخبر آمریکایی تهیه شده بود مربوط به قاچاق مواد مخدره و باند قاچاقچیان هروئین و کوکائین در ایران بوده و والا حضرت اشرف پهلوی و اعلی حضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت ملکه مادر به ترتیب از گردانندگان باند فروشندگان مواد مذکور در خاورمیانه و ایران معرفی شده‌اند.



۷۱



در این مجله ذکر شده والا حضرت اشرف پهلوی به علت شناخته شدن در مسافرت‌هایی که برای حمل مواد مخدره می‌نمایند از طرف پلیس کشورهای اروپایی تحت نظر می‌باشد کما اینکه والا حضرت اصولاً حق ورود بـخاک فرانسه را ندارند زیرا در هر مسافرتی که معظم‌لها می‌نمایند با استفاده از مصونیت خاندان سلطنتی مبادرت بحمل مقادیر زیادی مواد افیونی و هروئین به خاورمیانه می‌نمایند و حتی والا حضرت فاطمه پهلوی که دارای شوهر آمریکایی هستند در آمریکا تحت مراقبت می‌باشند.»

### وقتی بختیار مواد را بین دربار تقسیم می‌کند

در سند خیلی محرمانه دیگری از ساواک در سال ۱۳۳۸ اذعان شده است که اشرف پهلوی بزرگترین قاچاقچی مواد مخدر ایران بوده و آقای دکتر جهان‌شاه صالح وزیر اسبق بهداشت نیز دستیار وی می‌باشد.

در این سند آمده است: «یکی از بازپرسان دادسرای تهران به طور خصوصی به یکی از دوستان

خود اظهار داشته والاحضرت اشرف پهلوی بزرگترین باند قاچاقچیان تریاک و مواد مخدر در ایران را سرپرستی می‌کنند و آقای دکتر جهانشاه صالح وزیر سابق بهداشتی نیز با مشارالیه همکاری و معاونت دارند و به همین جهت دستگاه‌های قضایی و انتظامی قادر به تعقیب شدید قاچاقچیان و دستگیری مؤثرین آنها نمی‌باشند.

مهدنیا بازپرس سابق گمرک از قول یکی از قاچاقچیان معروف تهران اظهار داشته در هر ماه مقدار زیادی تریاک مرغوب ترکیه و کردستان ایران برای تیمسار سرلشگر بختیار می‌رسد و ایشان نیز مقداری از آن را به دربار شاهنشاهی و بعضی از رجال تسلیم می‌نمایند.»

## **واکنش قاضی! محمدرضا پهلوی درباره قاچاق مواد توپک اشرف: بگویید قاچاق نکند!**

حسین فردوست رئیس دفتر ویژه اطلاعات محمدرضا پهلوی در جلد اول صفحه ۲۳۷ کتاب ظهور و سقوط پهلوی در بخشی از خاطرات خود با عنوان «شیطانی به نام اشرف» به موضوع دخالت اشرف پهلوی در قاچاق مواد مخدر در سطح ایران و اروپا اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«اشرف قاچاقچی بین‌المللی بود و به طور مسجل عضو مافیای آمریکاست. او به هر کجا که می‌رفت در یکی از چمدان‌هایش هروئین حمل می‌کرد و کسی هم جرأت نمی‌کرد آن را بازرسی کند. این مسأله توسط بعضی از مأمورین به من گزارش شد و من نیز به محمدرضا اطلاع دادم که اشرف چنین کاری می‌کند. محمدرضا دستور داد که به او بگویید این کار را نکند. همین...»

در یکی دیگر از اسناد به‌جامانده از ساواک در خصوص بازتاب خارجی قاچاق مواد مخدر توسط اشرف چنین آمده است: «مجله ساگا که در نیویورک چاپ می‌شود و از مجلات نسبتاً



۷۲



مشهور آمریکاست و در سراسر آمریکا توزیع می‌گردد، مقاله‌ای تحت عنوان ثروتمندترین و مشهورترین فردی که قاچاق مواد مخدر می‌کند در ۷ صفحه درج کرده است. تاریخ توزیع و انتشار مجله ۵۲/۹/۱۰ می‌باشد و مخصوص ماه دسامبر ۱۹۷۲ است.

خلاصه مقاله عبارت از:

«۱۴ تن تریاک قاچاق از مرز افغانستان گرفته می‌شود ولی گزارشی به مقامات بین‌المللی نشده و کلیه مواد مخدری که از قاچاقچیان گرفته می‌شود به کاخ سعدآباد محل اقامت والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی برده می‌شود و بعد توسط معظم‌لها بفروش می‌رسد... مواد مخدر توسط دیپلمات‌های ایران و فامیل سلطنت به دنیا حمل می‌شود در حالیکه اگر یک فرد عادی در ایران دو کیلو تریاک داشته باشد تیرباران می‌گردد. والاحضرت اشرف و فامیل سلطنت نه اینکه در کار قاچاق هستند بلکه خودشان نیز معتاد می‌باشند.»

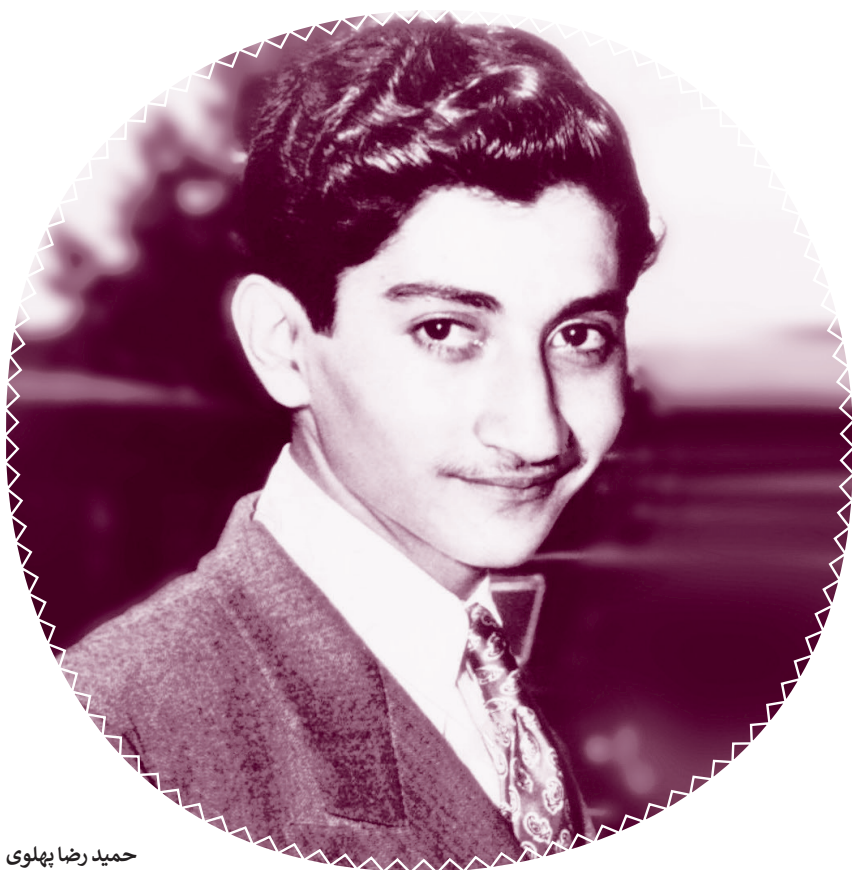


۷۳



### **وقتی کوچکترین برادر شاه نیز از قافله قاچاق مواد عقب نمی‌ماند**

در یکی از اسناد به‌جامانده در خصوص قاچاق مواد مخدر (هروئین و کوکائین) توسط کوچکترین برادر شاه چنین ذکر شده است: «در پاره‌ای از محافل راجع به دخالت والاحضرت شاهپور حمیدرضا پهلوی در امر قاچاق مواد مخدر (هروئین و کوکائین) و حمل و نقل مواد مزبور به نقاط مختلف کشور هنگام مسافرت به شهرستان‌ها به عنوان شکار مطالبی به گوش رسیده و گفته می‌شود یکی از افسران ارتش (سرهنگ) هم در این مورد با ایشان همکاری نزدیک دارد و از جمله در مسافرت اخیر والاحضرت به ماکو به عنوان شکار مقداری هروئین و کوکائین وارده از کشور ترکیه توسط مشارالیه به تهران حمل گردیده است.»



حمید رضا پهلوی



۷۴



## معروف‌ترین هرویین در تهران «هرویین حمیدرضا» است!

در یکی دیگر از اسناد ساواک ضمن اشاره به اینکه معروف‌ترین هروئین در تهران به نام هروئین حمیدرضا مشهور است در خصوص قاچاق مواد مخدر و توزیع آن در ایران توسط حمیدرضا پهلوی چنین آمده است:

«یکی از قاچاقچیان مواد مخدره به‌طور خصوصی به وکیل خود اظهار داشته شاهپور حمیدرضا با همکاری نعمت‌الله کلان کارمند شهربانی که سمت ریاست دفتر مشارالیه را دارد و تقی علوی کیا برادر تیمسار علوی کیا قائم مقام سابق سازمان امنیت که در خیابان تخت‌جمشید دفتری دارند و به کمک ایادی دیگر باندی برای قاچاق مواد مخدره تشکیل داده و توسط چند نفر از کارمندان و سهام‌داران شرکت‌های هوایی مواد مخدره مخصوصاً هروئین را از خارج از ایران وارد و در تهران و شهرستان‌ها پخش می‌کنند و در این کار حسن عرب نیز همکاری نزدیک دارد و اغلب شب‌ها در فرودگاه مهرآباد در دفتر شرکت‌های هواپیمایی بالاصح ایران ایر با کارمندان نشست و ایستاده است.

گوینده افزوده شاهپور حمیدرضا برای پخش رقم بزرگ این مواد شخصاً به‌عنوان شکار، مواد مذکور را از تهران به شهرستان‌ها و از شهرستان‌ها به تهران حمل می‌نماید و چند نفر از افسران و درجه‌داران نیروی هوایی نیز با مشارالیه همکاری می‌کنند و مواد اولیه (تریاک) را نیز از شهرستان‌های (تبریز، رضائیه، شاپور، مشهد) برای مشارالیه به تهران حمل و تحت‌نظر وی پخش می‌نمایند و در حال حاضر معروف‌ترین هروئین در تهران به نام هروئین حمیدرضا می‌باشد که بین مصرف‌کنندگان و قاچاقچیان معروف است.»



۷۵



## ماجرای سفر خواهر شاه به خارج برای ترک مواد

خواهر ارشد محمدرضا پهلوی نیز در امر قاچاق مواد مخدر ورود داشته و خود نیز به مواد مخدر معتاد بوده است. در سندی از ساواک در خصوص وی آمده است:

«در پاره‌ای از محافل جست‌وگریخته شنیده می‌شود که چون والا حضرت شاهدخت شمس پهلوی معتاد به هروئین می‌باشند برای ترک آن به خارج از کشور مسافرت کرده‌اند. در این محافل اضافه می‌شود که والا حضرت شمس در امر قاچاق هروئین هم دست داشته و یکی از علل استعفای آقای دکتر راجی وزیر سابق بهداری این امر بوده که مقداری هروئین قاچاق متعلق بمشارالیه را کشف و برای والا حضرت پرونده‌ای ساخته و شاهنشاه از این بابت تذکر خاطر خاص نموده و بدکتر راجی تکلیف استعفا فرموده‌اند.»



۷۶



## درباریان قاچاقچی

قاچاق مواد مخدر صرفاً محدود به خاندان پهلوی نمی‌شده و وزرا و ارتشیان نیز در این امر دخیل بوده و اسناد زیادی از این فساد از آنان به‌جامانده است. در یکی از اسناد ساواک در خصوص قاچاق مواد مخدر از سوی سردار فاخر حکمت رئیس مجلس شورای ملی آمده است:

«در مسافرت اخیر آقای سردار فاخر حکمت رئیس مجلس شورای ملی به شیراز مشارالیه به اتفاق بدرالملوک حکمت همشیره‌زاده‌اش به جمع‌آوری محصول مزارع ترياك املاك خود پرداخته و ترياك‌ها در دو نوبت به وسیله اتومبیل مذکور و به همراهی آقای سردار فاخر حکمت تا آخرین نقطه حوزه استحفاظی ژاندارمری شیراز حمل و در آنجا به گل‌مکانی قاچاق فروش معروف تحویل گردیده و نامبرده نیز به همراهی بانو بدرالملوک



حکمت که دارای کارت شناسایی آقای رئیس مجلس بود، تریاک‌ها را به تهران حمل و تحویل حسین سیگاری و داودی قاچاق‌فروشان معروف نموده‌اند. توضیح آنکه پس از ورود تریاک‌های فوق به تهران بهای تریاک به میزان قابل ملاحظه‌ای تقلیل یافته و ۷۵ گرم آن از ۲۸۰۰ ریال به ۱۱۰۰ ریال تنزل نموده است.»

حسین فردوست نیز در صفحه ۲۶۵ کتاب خاطرات خود در خصوص قاچاق مواد مخدر توسط ارتشبد غلامعلی اویسی که سمت‌هایی چون وزیر کار و امور اجتماعی، فرماندهی نیروی زمینی ارتش، فرماندهی ژاندارمری کل کشور را در رژیم پهلوی عهده‌دار بود، کسی که مسئول کشتار مردم در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ می‌باشد آورده است:



«اویسی از هیچ کاری برای بستن بار خود کوتاهی نکرد. زمانی که فرمانده ژاندارمری بود، سهم خود را از تریاک‌های وارده از افغانستان و ترکیه برمی‌داشت و زنش در کرمان تشکیلات سازماندهی فرم تریاک در خانه داشت. او تریاک‌های مکشوفه را نیز بلند می‌کرد و می‌فروخت. گاه روزنامه‌ها می‌نوشتند که مثلاً در زیرسازی یک تن تریاک کشف شده است. قاعدتاً باید این تریاک‌های مکشوفه به سازمان خاص در دادگستری تحویل می‌شد، ولی اویسی آن را عوض می‌کرد و به جایش ماده‌ای که مخلوطی از چند گیاه است تحویل می‌داد که رنگ و بوی تریاک داشت. باید بگویم که تریاک‌های موجود در دادگستری تریاک نبود و... آن را همین مخلوط بود که یک کیلوی آن یک ریال ارزش نداشت. اویسی از این طریق طی چند سالی که در ژاندارمری بود حداقل ۵ میلیارد تومان دزدید و همه را دلار کرد و به خارج برد.»

در مقاله‌ای هم که در مجله اسپیکر در شماره مورخ دوشنبه ۱۳ مارس چاپ شده است به بررسی کشت، مبارزه و نقش شاه در قاچاق مواد مخدر اشاره شده است. در بخشی از این

مقاله آمده است:

«ایران از طرفی قاچاقچیان مواد مخدر را تعقیب می‌کند و از طرف دیگر قانون منع خشخاش را لغو می‌نماید، زیرا ۱۲۰۰۰ از کشتزارهای خشخاش به خانواده سلطنتی تعلق دارد. متخصصین کشف مواد مخدره سازمان ملل متحد اعلام داشته‌اند که ایران بر خلاف سایر ممالک مواد مخدره مکشوفه را نابود نمی‌نماید و به این ترتیب که ۱۸۴۵۴ کیلوگرم مواد مکشوفه از ۱۹۷۰-۳۲۹ کیلوگرم معدوم ۱۵۲ کیلو برای مصارف طبی به کار رفته و ۱۷۹۷۳ کیلوگرم باقی‌مانده است. با این شکل ظن اینکه دیپلمات‌های ایران برای تأمین ارز شاهنشاه خود هروئین و تریاک قاچاق می‌کنند تازگی ندارد...» (۱)

پی نوشت:

1. (http://www.rajanews.com/news/198059)



## برادرخواندگی رژیم صهیونیستی



۷۹



ویلیام شوکراس روزنامه‌نگار و نویسنده مشهور انگلیسی که سال‌ها در روزنامه‌ها و مجلاتی مانند ساندی‌تایمز، آبزور، واشنگتن‌پست و نیوزویک قلم می‌زند، وی در صفحه ۹۱ کتاب آخرین سفر شاه که نتیجه سه سال کوشش و پیگیری وی درباره روند زندگی محمدرضا پهلوی بوده، در خصوص روابط میان رژیم پهلوی با اسرائیل و به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی رژیم پهلوی پس از یک سال و اندی از تشکیل این رژیم می‌نویسد:

«در میان کشورهای خاورمیانه ایران تنها کشوری بود که از ابتدا سیاست همکاری پنهانی با اسرائیل را در پیش گرفته بود. در واقع روابط با اسرائیل، مناسبات ایران با کلیه همسایگانش را تحت‌الشعاع قرار می‌داد.»

ارتشبد حسین فردوست نیز در صفحه ۵۵۱ کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی درباره شناسایی اسرائیل و پیامدها و آثار بعدی آن چنین اظهار کرده است:

«محمدرضا رژیم اسرائیل را به‌طور دو فاکتو به رسمیت شناخت و همین کافی بود تا



۸۰



اسرائیل به طور غیر رسمی سفارت خود را در تهران دایر کند. این روابط به حدی گسترش یافت که محمدرضا چند پایگاه برون مرزی خود با کشورهای عربی منطقه را به اسرائیل واگذار کرد و سازمان اطلاعاتی اسرائیل پس از قدرت های بزرگ فعال ترین سرویس اطلاعاتی در ایران شد. اسرائیل رژیم محمدرضا را تنها دوست و متحد خود در منطقه تلقی می کرد و لذا به آموزش ساواک کمک های درجه اول نمود. ولی محمدرضا به خاطر فرهنگ اسلامی مردم ایران و به خاطر حساسیت مردم عرب منطقه جرئت نکرد روابط خود را با اسرائیل رسمی کند و آمریکا و انگلیس نیز این کار را صلاح نمی دانستند، زیرا ایران با نقش فوق می توانست بهترین حلقه اتصال اسرائیل و کشورهای عربی باشد.

اسرائیل پایگاه اصلی غرب در خاور میانه به شمار می رود و برای آمریکا کشور پول سازی محسوب می شود. صرف وجود اسرائیل سبب می گردد تا کشورهای عربی و ثروتمند منطقه دلارهای نفتی خود را در مقابل سفارشات گران قیمت اسلحه به آمریکا بدهند. آمریکا هم با بذل و بخشش، مقداری از این سفارشات را به کشورهای اروپای غربی واگذار می کند. وجود اسرائیل برای شوروی نیز نافع است، زیرا بخشی از سفارشات نظامی نصیب این قدرت می شود.»

## وقتی اعراب اسرائیل را تحریم کردند و پهلوی نفت صهیونیست ها را تأمین کرد

اهمیت صادرات نفت از ایران به رژیم صهیونیستی از این لحاظ برای آن رژیم حیاتی بوده است که این رژیم از سوی اعراب برای تأمین انرژی مورد نیاز خود در تحریم قرار گرفته بود. ثانیاً تأمین سوخت مورد نیاز جنگنده های صهیونیستی در جنگ های چهارگانه با اسرائیل برای پیروزی این رژیم بسیار اهمیت داشته است. در سندی به جامانده از ساواک در این خصوص آمده است:



八

牙





۸۲



«جناب آقای دکتر خلعتبری وزیر امور خارجه

مجله الدستور می نویسد کیسینجر بدون مشورت با پادشاه ایران کشور ایران را در لیست کشورهای قرار داده که آمریکا به منظور تأمین نفت برای اسرائیل از استفاده نفت آنها تضمین داده و تأکید نموده که اسرائیل می تواند بر آنها متکی باشد.

در این مورد وزیر امور خارجه آمریکا به کمیته خارجی سنای این کشور گفته است که به اسرائیل وعده داده است در قبال خروج از منطقه نقش ابورودیس نفت مورد نیاز را از ایران تأمین کند. کیسینجر در این باره گفته است که در جریان تحریم نفتی اعراب در سال های ۱۹۷۳. ۱۹۷۴ ایران تمامی نفت مورد نیاز اسرائیل را تأمین کرد.»

در سند دیگری از ساواک، درباره رشوه به هویدا نخست وزیر ایران در سال ۱۳۴۴ از سوی رژیم صهیونیستی در خصوص فروش نفت افشاگری شده است. در این سند آمده است:

«حسین بشیری عضو مالی دارایی و معاون سابق اداره کل حسابداری ژاندارمری که با علما و روحانیون ارتباط نزدیک دارد اظهار می داشت چون آقای هویدا نخست وزیر در معامله محرمانه فروش نفت ایران به اسرائیل خدمت بزرگی به آن کشور نموده، دولت اسرائیل در قبال این خدمت يك صد و چهل هزار متر مربع زمین در فلسطین به ایشان واگذار نموده است.»

## قابله اسراییلی فرح!

وابستگی رژیم پهلوی به رژیم صهیونیستی به حدی بوده است که شاه برای زایمان فرح، درخواست می کند تا پزشک یهودی از اسرائیل به ایران مسافرت نماید. در سندی از ساواک

آمده است:

«در هفته گذشته نسیم نماینده پارلمان اسرائیل به مدت ۲۴ ساعت به‌طور ترانزیت با بانو و اطفال خود به تهران وارد و در مدت اقامت خود از چند نفر سناتورهای که به اسرائیل رفته بودند و مقامات دولتی دیدن نموده و مذاکراتی به عمل آورده است. دکتر دوریل و ربی مئیر عزری نیز در این ملاقات‌ها با وی بوده‌اند.

روز سه‌شنبه هفته گذشته معاون وزارت کشور اسرائیل به تهران وارد و با مقامات دولتی ایران در مورد روابط سیاسی بین دو کشور مذاکراتی به عمل آورده در این ملاقات‌ها ربی مئیر عزری و دکتر دوریل در معیت نامبرده بوده‌اند.

بین محافل یهود گفته می‌شود که پروفیسور زوندوک طیبب مخصوص امراض زنان و قابله بین‌المللی برای وضع حمل علیاحضرت ملکه فرح بنا به دستور دربار به تهران خواهد آمد وی تاکنون دوبار به تهران آمده و در هر دو نوبت از دریافت وجه خودداری نموده است.»



۸۳



### وقتی شاه هیوهی دربار را هم از اسرائیل وارد می‌کرد!

این وادادگی تا حدی بوده است که میوه سفره شاه را هم از اسرائیل تأمین می‌کردند. در سندی از اسناد وزارت خارجه سال ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ در این خصوص آمده است:

«میوه اسرائیل، علاوه بر بازار ایران در دربار هم جای خود را باز کرده بود»

روزنامه معاریو چاپ اسرائیل نیز در تاریخ ۱۳۵۴/۱۱/۱ خبر مربوط به ایران را با عنوان «پنیر و میوه اسرائیل بر سر سفره شاهنشاه ایران» گزارش داد:

«دیروز از طرف سازمان‌دهندگان «هفته خواربار» اطلاع حاصل شد که مامور هیأت مدیره کاخ سلطنتی ایران از نمایشگاه «هفته خواربار» در تل‌آویو دیدن کرده است،



سرلشگر عبدالکریم ایادی  
کارٹونیست: ہادی اسدی



۸۴





نماینده ایران که یک یهودی به نام الف - شومر است، توجه خاصی به محصولات تازه کشاورزی از خود نشان داد و با شرکت آگراسکو برای خرید آوکادو، گلابی و سیب و با شرکت لبنیات اشتراوس برای خرید انواع پنیر برای سفره شاهنشاه ایران به مذاکره پرداخت.

مئیر عزری، نماینده و سفیر غیر رسمی اسرائیل در زمان پهلوی، طی مدت هفده سال مأموریت خود در ایران با بسیاری از سران و مقامات بلندپایه آن دوران روابط بسیار نزدیک و صمیمی برقرار کرده بود. او در «یادنامه» ای که در سال ۲۰۰۰ میلادی در بیت المقدس به چاپ رسیده در خصوص سرلشگر ایادی که پزشک ویژه شاه بوده می نویسد که وی چشم و گوش شاه بوده و نسبت به یهودیان مهری ناگسستی داشت. وی در خصوص خدمات ایادی به رژیم صهیونیستی نوشته است:

«در یکی از دیدارهای خانوادگی... در کنار ایادی نشسته بودم و پیرامون همکاری های کارشناسان اسرائیلی تحت سرپرستی او گفت و گو می کردم. چند روز پس از آن دیدار ایادی کارشناسان ما را به ایران فراخواند و با آنها پیمان بست تا میوه، مرغ و تخم مرغ ارتش ایران را فراهم کنند و برای ارتش مرغداری و دهکده های نمونه بسازند. همچنین ایادی به بازرگانان و کارشناسان اسرائیلی یاری داد تا میوه مورد نیاز ارتش ایران را فراهم کنند.»

ارتشبد حسین فردوست در خاطرات خود، ایادی را با نفوذترین فرد دربار و حتی با نفوذترین فرد کشور قلمداد کرده و نوشته است که او برای خود ۸۰ شغل در سطح کشور درست کرده بود که همه مهم و پولساز بودند.

عزری نیز در همان یادنامه می نویسد: «کسی باور نمی کرد که ایادی از شاه درخواستی بکند و پذیرفته نشود.»



## کماندوهای صهیونیست در خدمت شاه برای سرکوب مردم

پس از اوج گرفتن قیام مردمی علیه رژیم پهلوی، صهیونیست‌ها منافع خود را در خط دیده و برای حفظ شاه اقدامات بسیار زیادی را انجام دادند که می‌توان ایجاد جنگ روانی شدید علیه مردم با استفاده از وسایل ارتباط جمعی از سوی این رژیم نام برد.

از مهمترین این اقدامات اعزام نیروی کماندو به ایران برای حمایت نظامی شاه علیه مردم بوده است تا جنایاتی را که سربازان ایرانی حاضر به انجام آن علیه ملت نیستند را آنها انجام دهند. روزنامه‌های صهیونیستی هاآرتص در شماره ۲۳ اکتبر ۱۹۷۸، داوارد در شماره‌های ۱۰ و ۲۳ اکتبر ۱۹۷۸ و مجله نظامی سیکراهودشیت در شماره ۳ نوامبر ۱۹۷۸ از قتل عام مردم در ۱۷ شهریور را پرده برمی‌دارند:

«اسرائیل یک پل هوایی از فرودگاه لود و فرودگاه نظامی «رامات داوید» در نزدیکی حیفا برای رساندن سلاح‌های ویژه در جهت مقابله با خیل گسترده تظاهرکنندگان علیه دیکتاتور، به ایران ایجاد کرد. همچنین یک گروهان کماندو و عامل سابوتاژ و عملیات شهری با هواپیماهای شرکت «ال عال» از اسرائیل به تهران فرستاده شدند.

این گروه تابع اداره اطلاعات ارتش اسرائیل بود شامل تعدادی از اسرائیلی‌ها بودند و همه افراد واحد، یونیفورم نظامی ارتش ایران را به تن داشتند. مقامات ایرانی این گروهان صهیونیست را سربازانی که از بلوچستان اعزام شده‌اند، در این روزها یک پایگاه کوچک نظامی نزدیک آبادان و بندرعباس که اسرائیل آن را اداره می‌کرد، محل تمرین عملیات ضد شورش شهری اسرائیل بود.» در این گروهان، تعداد زیادی از صهیونیست‌های ایرانی که زبان فارسی را خوب می‌دانستند، به چشم می‌خورد و کلیه افراد واحد، ملبس به یونیفورم نظامی ارتش ایران بودند و مقامات ایرانی برای کتمان این موضوع شایع کردند که افراد این گروهان از بلوچستان به تهران آمده‌اند.»



۸۶



خبرنگار روزنامه لوموند نیز در گزارش خود در توصیف از جمعه سیاه در تاریخ ۱۷ سپتامبر همان سال نوشت:

«شایعات در شهر حکایت از فرود آمدن سه هواپیمای حامل کماندوهای اسرائیلی در فرودگاه مهرآباد در چهارشنبه شب می‌کرد و آنها عامل کار کثیفی بودند که سربازان ایرانی حاضر به انجام آن نشدند...»

از دیگر خیانت‌های صهیونیست‌ها علیه ملت ایران غارت آثار باستانی ایران با همراهی افرادی چون دفتر فرح پهلوی، اشرف پهلوی و پسرش شهرام پهلوی نیا، ارتشبد زاهدی، محسن فروغی از درباریان یهودی، ایوب ربنو، مهدی محبوبیان، یوحنا داوود، یعقوب نیمرودی و... بوده است.

در یکی از اسناد بایگانی‌شده وزارت امور خارجه (سال ۱۳۴۳، کارتن ۵، پرونده ۳۰) در خصوص خبری در روزنامه صهیونیستی هآرتس در ۱۳۶۵/۱/۱ آمده است:

«یکی از افرادی که نقش مهمی در انتقال آثار باستانی ایران به اسرائیل داشت شخصی بود به نام ایوب ربانو. وی در طی ۴۵ سال تقریباً در تمام نقاط ایران دست به عملیات حفاری زد و بزرگترین مجموعه آثار باستانی ایران را گردآورد که برخی از آثار آن در جهان بی‌نظیر بوده و ارزش آن مجموعه به ۴/۵ میلیون لیره اسرائیلی می‌رسید.»

همچنین در گزارش ۱۶۱۵ مورخ ۱۳۴۴/۹/۲۸ از صادق صدریه (تل‌آویو) به وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۸/۴۹، کارتن ۵، پرونده ۳۹ که از اسناد وزارت امور خارجه است، آمده است: «در گزارشی که از نمایندگی ایران در تل‌آویو در سال ۱۳۴۴ در مورد کلکسیون ایرانی موجود در موزه اسرائیل ارسال شده، آمده است: کلکسیون مربوط به هنر ایرانی در موزه اسرائیل در نوع خود یکی از مهمترین کلکسیون‌های جهان می‌باشد. به عقیده کارشناسان،



ارزش آن سه میلیون دلار است. در این کلکسیون آثاری وجود دارد که بهایی برای آنها نمی‌توان تعیین کرد زیرا در جهان منحصر به فرد می‌باشند... در ظرف دو سال، کلکسیونی که در اورشلیم متمرکز گردید، شامل آثاری ۳۰۰ ساله از دوران ماقبل تاریخ تا قرن شانزدهم بود...»

در یکی دیگر از اسناد وزارت امور خارجه در این خصوص آمده است:

«به قرار اطلاع واصله در مورد اسرائیل واقع در نزدیکی دانشگاه عبری اورشلیم در قسمت مربوط به ایران اخیراً يك محراب کاشی‌کاری متعلق به قرون هفدهم میلادی که در کف آن سنگ مرمر سیاه به کار رفته است از ایران به اسرائیل منتقل شده است در همین موزه تعدادی مجسمه گوزن، بشقاب، سر شیر، جام شراب به شکل سر گوساله و گوزن که همه از طلای ناب ساخته شده است نگهداری می‌شود.

جام اخیرالذکر از آثار هخامنشی است و طبق توضیحي که موزه بروی پایه فلزی جام داده است متعلق به پنج قرن قبل از میلاد مسیح می‌باشد اعداد کننده این جام و سایر آثاری که به آن اشاره شد يك تاجر یهودی عتیقه‌فروش مقیم پاریس به نام (رابینو) می‌باشد و اشیاء مزبور را به رسم امانت به موزه داده است و در مورد نحوه خروج این اشیاء از ایران اقلامی در دست نیست ولی مرتباً در چمدان‌های یهودیانی که به اسرائیل می‌روند اشیاء عتیقه ایرانی بخصوص نسخ خطی کتب مختلف مخفی شده و بدون جلوگیری پلیس وارد اسرائیل می‌شود در این باب قبلاً هم گزارش‌هایی از تأسیس موزه مزبور رسیده بود که به موقع خود به اطلاع آن وزارت رسیده است. اینك مراتب جهت اطلاع انحصار می‌گردد.» (۱)

پی‌نوشت:

۱. <http://www.rajaneews.com/news/198069>





۸۹



رضا شاه پهلوی  
کارتونیست: شهرام شیرزادی



## فادسی

آنچه از مطالعه فساد سیاسی رژیم پهلوی در سطح حکومت (مجلس، انتخابات، قانون اساسی، کابینه و کارگزاران) حاصل می‌شود، این نکته را اثبات می‌کند که علت اصلی فساد سیاسی در این سطح، خودکامگی و استبداد رضاشاه و محمدرضاشاه پهلوی بوده است. سلطه پدر و پسر بر نهادهای سیاسی و شخصی شدن قدرت توسط آنها سبب تبدیل نهادها و کارگزاران حکومتی به تابعی از تصمیم و رفتار شاه شده بود. این نوع رویکرد در سطح سیاست نتایج ذیل را به دنبال داشت:

۱. فساد سیاسی سبب قرار گرفتن افراد نالایق و وابسته به شاه در رأس نظام سیاسی پهلوی می‌شد. این مسأله دو پیامد عمده به همراه داشت:

اول این که سطح سیاست و قدرت رژیم خود به یک سیستم باز تولید فساد سیاسی تبدیل شده بود. رفتار مفسده‌آمیز کارگزاران رژیم محیط سیاست را آلوده به فساد می‌کرد و متقابلاً این کارگزاران اگر خواهان ادامه حیات سیاسی بودند، می‌بایست در همین محیط با همان ویژگی‌ها

زندگی کنند.

دوم این که چنین محیطی نمی‌توانست با جامعه ارتباط برقرار کند؛ چرا که اولاً همان راه‌های ارتباطی رژیم با مردم که خود آنها را مشروع می‌دانست - نظیر ساواک - کارکرد واقعی خود را انجام نداده و شناخت دقیقی از مردم نداشتند و ثانیاً شخص شاه نیز تمایلی به درک حقایق جامعه نداشت. این مسأله سبب می‌شد تا رژیم شناخت صحیحی از خواسته‌ها و تقاضاهای مردم نداشته باشد و در نتیجه نتواند رفتار مبتنی بر تقاضاهای مردم در پیش گیرد. نتیجه این امر ایجاد نارضایتی در بین مردم بود.

۲. فساد سیاسی سبب به حاشیه رانده شدن احزاب و گروه‌های مدنی و کنار زدن سیاست‌مداران مستقل شد. این خلأ از طریق کانال‌های غیر رسمی سیاست پر شده و سبب نیل افراد وابسته به شاه به قدرت می‌شد.

۳. فساد سیاسی سبب تشدید وابستگی سیاسی رژیم پهلوی شد. در این وابستگی، محمدرضاشاه جهت حفظ موقعیت خود و کنار زدن سایر رقبای داخلی که در نظر انگلیس یا آمریکا مهم بودند، هر چه بیشتر سعی داشت تا طرح‌ها و دستورالعمل‌های بیگانگان را عملیاتی کند. او بی‌توجه به شرایط داخلی کشور تنها به دنبال جلب رضایت انگلیس و آمریکا بود و این مسأله به اجرای برنامه‌هایی می‌انجامید که با شرایط جامعه ایران همخوانی نداشت و از این رو، سبب ایجاد نارضایتی می‌شد. قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و دستگیری امام خمینی در سال ۱۳۴۳ و گسترش اعتراضات مردم به دنبال آن، نتیجه مستقیم اجرای طرح‌های آمریکایی انقلاب سفید و کاپیتولاسیون بود. از سوی دیگر وابستگی شاه به انگلیس و آمریکا شکاف دولت - ملت را عمیق‌تر کرده و شاه بی‌توجه به حمایت توده‌های مردم معتقد بود تا زمانی که آمریکا و انگلیس بخواهند بر مسند قدرت خواهد بود و هرگاه نخواهند، خواهد رفت.



۴. فساد سیاسی در سطح اقتصاد سبب عظمت‌طلبی بی‌بنیاد و تشدید فساد مالی و اقتصادی خاندان پهلوی می‌شد. عظمت‌طلبی بی‌بنیاد به معنای اجرای طرح‌های اقتصادی با سودای رسیدن به «دروازه‌های تمدن» بود که زمینه‌های لازم آن در داخل کشور مهیا نبود و ساختارهای اقتصادی - اجتماعی موجود آنها را بر نمی‌تابید. این مسأله به فراموشی سپردن نیازهای ضروری مردم می‌انجامید و نارضایتی آنها را موجب می‌شد. فساد مالی و اقتصادی خاندان پهلوی هم که در اثر فساد سیاسی تشدید می‌شد علاوه بر اینکه به شکل مستقیمی موجب نارضایتی مردم شد، نوع فرهنگ و زندگی خاندان سلطنت را نیز بیگانه با مردم شکل می‌داد و به دوری آنها از مردم می‌انجامید.





## برخی خدمات محمدرضا شاه در ایران

بد نیست نگاهی هم به خدمات محمدرضا پهلوی بیندازیم تا کسانی که از دوره حکومت او، بهشت برین می‌سازند، کمی دقیق‌تر به مسأله نگاه کنند.

۱. حضور ۶۰ هزار مستشار نظامی و اداری آمریکا در ایران که بر همه ارگان‌های کشورمان سلطه داشتند و کسی بدون اجازه آنها آب نمی‌خورد.

۲. اعطای حق مصونیت قضائی (کاپیتولاسیون) به مستشاران آمریکایی در سال ۱۳۴۳ و تبعید امام (ره) به علت مخالفت با فروش استقلال کشور

۳. اعطای جزیره بحرین (استان چهاردهم ایران) و جزایر زیبای اطراف آن به اربابان انگلیسی و عرب‌های وهابی توسط شاه آریایی!

۴. غرق بودن شاه، خواهرانش، همسرش فرح و بقیه اعضای خانواده‌اش در انواع فسادهای اخلاقی به نحوی که در خاطرات هر کدامشان، به روابط افسارگسیخته دیگری اذعان کرده‌اند. حتی نحوه آشنایی شاه با فرح، زمانی است که فرح بعثت مشکل مالی برای خودفروشی به نزد اردشیر زاهدی (کارچاق‌کن شاه در این مسائل) می‌رود و سپس ملکه و شهبانوی ایران می‌شود! (۱)

۵. بی‌سواد نگه‌داشتن هفتاد درصد جمعیت کشور در سال ۵۷ بعنوان دستاورد فرهنگی شاهنشاه!

۶. تربیت ۱۵۷ هزار دانشجو از جمعیت ۳۵ میلیونی ایران در سال ۵۷. با ترکیب ۳۸٪ وزرا فراماسون، ۲۴٪ عضو سیا و ۲۱٪ عضو ساواک! (۲)





پرویز ثابتي  
کارٹونیست: ناصر مقدم



۹۴



۷. تبدیل ایران به بازار کالاهای بنجل وارداتی غرب و فقدان کارخانه‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی خودکفا در کشور

۸. تورم شدید با نرخ سالانه ۴۰ تا ۵۰ درصد به همراه فساد و ارتشای سراسری و دزدی بلندپایگان و نابرابری در توزیع درآمدها

۹. ثبت سن امید به زندگی ۵۰ سال در دوره شاهنشاه. (۳)

۱۰. تعلق ۷۵٪ نخبگان سیاسی کشور به ۴۰ خانواده نیرومند و کوتاهی دست توده‌های مردم و نخبگان غروابسته از مناصب سیاسی و اقتصادی کشور

۱۱. وجود ترسناک‌ترین و خطرناک‌ترین سازمان جاسوسی دنیا در دوره شاه (ساواک) و شکنجه و کشتار هزاران بی‌گناه و یا با کوچکترین مخالفت و یکی از پلیسی‌ترین حکومت‌های جهان علیه حقوق بشر

۱۲. حضور بیش از ۲۰۰ بهائی در بین مقامات ارشد کشور (بطوریکه از کابینه ۱۲ نفری هویدا ۹ نفر بهائی بودند: از جمله: خود هویدا، صنیعی وزیر جنگ، خسروانی وزیر کار، شاهقلی وزیر بهداشت، روحانی وزیر کشاورزی، پارسای وزیر آموزش و پرورش، عبدالکریم ایادی پزشک مخصوص شاه، ثابتی معاون ساواک...)

۱۳. تبدیل ۸۰۰ هزار کشاورز ایران به خرده مالکان بی‌زمین و واردکننده کالاهای غربی به ایران با اصلاحات ارضی و سایر سیاست‌های اقتصادی غربی در کشور و تبدیل ایران از کشور صادرکننده گندم به یکی از بزرگترین واردکننده‌های گندم در جهان (۴)

۱۴. شکل‌گیری اولین حلی‌نشین‌های ایران در شهرهای بزرگ بخصوص تهران از دهه ۱۳۴۰ به بعد و ایجاد اولین کارتن‌خواب‌ها در تاریخ ایران

۱۵. ایجاد ۳۰۰۰ فاحشه‌خانه و کاباره در ایران و ده‌ها محله فاحشه‌نشین.



۹۵



۱۶. کشتار بیش از ۳۰۰۰ شهید از مردم بی‌گناه ایران در جریان انقلاب (۵)  
۱۷. حمایت بی‌چون‌وچرا از رژیم غاصب اسرائیل (و همچنین رژیم منفور آپارتاید آفریقای جنوبی). تأمین ۶۵٪ نفت مورد نیاز اسرائیل و حمایت مالی، نظامی و تسلیحاتی از این رژیم در جنگ‌های مختلف علیه فلسطینیان.

پی‌نوشت:

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، ص ۲۱۱
۲. پرهام، انقلاب ایران و مبانی رهبری امام خمینی، ص ۲۶
۳. تسنیم به نقل از: سلسله گزارش‌های توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل
۴. faghihi, foroozandeh, land reform and it's effects on rural-urban migration in) (82-iran since 1962, pp.79
۵. ماخوذ از آمار بنیاد شهید انقلاب اسلامی.



۹۶

